

Jurisprudential Review of the Rehabilitation of Female Criminals with an Emphasis on the Right to Mental Health

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Aurhors

Saeed Namdar¹
Anahita Seifi^{2*}
Iraj Gholdouzian

How to cite this article

Saeed Namdar, Anahita Seifi, Iraj Gholdouzian, Jurisprudential Review of the Rehabilitation of Female Criminals with an Emphasis on the Right to Mental Health, *Journal of Quran and Medicine*, 2022;7(2):139-154

1. Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.
2. Department of International Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran (corresponding author).
3. Department of Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

* Correspondence:
Address:
Phone:
Email: a.seifi@atu.ac.ir

Article History
Received: 2022/06/01
Accepted: 2022/08/08

ABSTRACT

"Gender" is one of the influential factors in the issue of delinquency. Women commit crimes for different reasons than men. The right to health, as one of the human rights, has different dimensions, including mental health and the absence of mental and emotional problems. Criminal women, as one of the most vulnerable human groups, have this right, and the criminal justice system, which aims to rehabilitate this group, must pay attention to it. The present article is written with a descriptive-analytical method in order to answer the question whether the appropriate methods for the rehabilitation of female criminals have been considered in Iran's jurisprudential and legal system. It examines the relationship between gender in rehabilitation in Iran and explains the situation of female criminals and the necessity of rehabilitation for this group. In the criminal policy of the legal system of Iran and Islam, according to the sex of the criminal, there are differences in the amount of ransom, in some types of limits and the way of implementing the maximum punishments. In the criminal law of Iran, there is no special provision regarding the rehabilitation of female criminals. Therefore, according to the principles of rehabilitation, it is necessary to formulate and implement laws and programs that are appropriate to the characteristics and needs of women. Laws related to rehabilitation are few and general and are formulated according to the needs of male criminals and rehabilitation programs target the population of criminals in general. According to the current situation, it is necessary to take into account the health and needs of female criminals in the formulation of criminal and non-criminal laws and to devise and implement rehabilitation programs and to witness gender accountability to reduce the population of female criminals and reform them and return them to society. In Islamic law, the problem of rehabilitating and providing the society with the danger of delinquency and reforming and educating criminals is not far away. The purpose of providing and training measures which is to reform and educate and rehabilitate the criminal and to follow up on the repetition of the crime has always been emphasized and desired by Sharia law. It is important to identify the mental and psychological problems of female criminals and then take measures to reduce their effects through rehabilitation. In addition, paying attention to the right to mental health based on the human rights strategy is considered necessary in the framework of the criminal policy of women criminals.

Keywords: women, delinquency, judicial procedure, rehabilitation, Islamic jurisprudence, right to health..

بررسی فقهی حقوقی بازپروری زنان بزهکار با تأکید

بر حق سلامت روحی و روانی

سعید نامدار

گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

آناهیتا سیفی*

گروه حقوق بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۷

*نویسنده مسئول: a.seifi@atu.ac.ir

مقدمه

اگر چه سرپیچی از ارزش ها، هنجارها و قوانین جامعه امکان دارد برای هر فردی صرف نظر از جنسیت و سنش اتفاق بیفتد اما می توان گفت دنیای جنایت، دنیای مردانه می باشد و زنان کمتر درگیر جرم هستند (۱) از آنجا حفظ امنیت اجتماعی وظیفه دولت هاست و نظریه این که عدم مجازات مجرمان می تواند راه را به سوی انتقام خصوصی و آشفته گی هر چه بیشتر نظم اجتماعی بگشاید، نیز با توجه به اینکه ارتکاب جرم عواملی همچون بیکاری، بیسوادی، فقر فرهنگی و... است، ضرورت اتخاذ تدابیری ضمن مجازات حبس با عنوان برنامه های بازپروری را آشکار ساخته است. بدین سان زندان گرچه فی نفسه کارکرد تربیتی ندارد و بیشتر در جهت حمایت از جامعه و تأمین جامعه از شر بزهکاری می باشد اما باید با انجام برنامه هایی زندانبان را ترمیم کرد. این امر منوط به فراهم بودن شرایط و زمینه های لازم اعم از عوامل انسانی و ابزار امکانات بازپروری است که البته هزینه هایی بالایی را نیز بر دولت ها تحمیل می کند (۲)

حق بر سلامت به عنوان یک حق ذاتی به این معناست که هر کس حق دارد تا به بالاترین سطح از استاندارد سلامت فیزیکی و روانی دسترسی داشته باشد و این حق تمام خدمات پزشکی، بهداشت عمومی، غذای کافی، مسکن مناسب، محیط کار سالم و محیط زیست تمیز را در برمی گیرد. "حق بر سلامت و بهداشت عمومی حق بر یک نظام حمایتی است که فرصت برابر بهره مندی از بالاترین سطح بهداشتی را برای آحاد جوامع بشری از سوی دولتها فراهم می نماید. حق بر سلامتی به عنوان یکی از حقوق بشری بنیادین کرامت انسانی محسوب می شود. حق بر سلامتی در پیوندی ناگسستنی با حق حیات قرار دارد و از سوی دیگر با حق بهداشت و تأمین اجتماعی گره خورده است. در مقدمه اساسنامه سازمان جهانی بهداشت آمده است که بهره مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی، یکی از حق های بنیادی هر انسانی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۹۴۸) در بند ۱ ماده ۲۵ سلامتی را در زمره حق بر بهره مندی از استانداردهای مناسب زندگی قرار داد. بند ۱ ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶، با الهام از اساسنامه سازمان بهداشت جهانی مقرر می دارد: "دولت های عضو میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامتی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می شناسند". بنابراین آنچه مسلم است، موضوع حق بر سلامت به عنوان یک حق بشری، جایگاهی والا در اسناد بین المللی دارد و در حقوق داخلی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است. (۳) با توجه به شرایط خاص جسمی و روحی زنان و موقعیت آسیب

ایرج گلدوزیان

گروه حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

«جنسیت» از عوامل تاثیرگذار در مسئله بزهکاری است. زنان بعلل متفاوت از مردان مرتکب جرم می گردند. حق سلامت نیز به عنوان یکی از حق های بشری، ابعاد مختلفی دارد که سلامت روان و فقدان مشکلات روحی و روانی، از جمله آن است. زنان بزهکار به عنوان یکی از آسیب پذیرترین گروه های بشری از این حق برخوردارند و نظام عدالت کیفری که هدف خود را بر بازپروری این دسته معطوف نموده، ناگزیر از توجه به آن است. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در راستای پاسخ به این پرسش که آیا روش های متناسب با بازپروری زنان بزهکار در نظام فقهی و حقوقی ایران مورد توجه قرار گرفته است؟ به بررسی ارتباط جنسیت در بازپروری در ایران و تبیین وضعیت زنان بزهکار و ضرورت بازپروری این قشر می پردازد. در سیاست کیفری نظام حقوقی ایران و اسلام با توجه به جنسیت بزهکار تفاوت هایی در میزان دیه، در برخی اقسام حدود و نحوه اجرای مجازات های حدی وجود دارد. در حقوق کیفری ایران، تدبیر خاصی در خصوص بازپروری زنان بزهکار در نظر گرفته نشده است. بنابراین بنا بر اصول بازپروری، لازم است قوانین و برنامه های متناسب با ویژگی ها و نیازهای زنان تدوین و اجرا گردد. قوانین مربوط به بازپروری اندک و بطور عام و با توجه به نیازهای مردان بزهکار تدوین شده و برنامه های بازپروری جمعیت بزهکاران را بطور عام هدف قرار می دهد. با توجه به وضعیت موجود لازم است در تدوین قوانین کیفری و غیر کیفری و تدبیر و اجرای برنامه های بازپروری سلامت و نیازهای زنان بزهکار مورد توجه قرار گیرد و شاهد پاسخگویی جنسیتی برای کاهش جمعیت زنان بزهکار و اصلاح و بازگشت آن ها به جامعه باشیم. در حقوق اسلام نیز مسئله بازپروری و تأمین جامعه از خطر بزهکاری و اصلاح و تربیت مجرمین از نظر دور نمانده است. هدف اقدامات تأمینی و تربیتی که اصلاح و تربیت و بازپروری بزهکار و پیگیری از تکرار جرم می باشد همواره مورد تأکید و مطلوب شرع بوده است. شناسایی مشکلات روحی و روانی زنان بزهکار و سپس تدابیری به منظور کاهش آثار آنها از طریق بازپروری دارای اهمیت است. افزون بر این، توجه به حق بر سلامت روان بر مبنای راهبرد

پذیر ایشان، توجه به این موضوع در خصوص زنان بزهکار اهمیتی دو چندان می‌یابد. تبیین حق بر سلامت زنان تحت تأثیر جنسیت و تجربه تغییرات متعدد در طول دوره های زندگی آنان، واجد اهمیت خاص است و نیازمند ایجاد ساختار جدید مبتنی بر آگاهی و معرفت دقیق بر نیازها و عوامل مؤثر بر آن است. در اندیشه حقوق عمومی، تأمین سلامت همگانی و حفظ بهداشت شهروندان از تکالیف اساسی دولت‌هاست که مداخله دولت شامل طیف وسیعی از اقدامات در راستای ارتقای سطح سلامت از طریق تدوین قوانین و نظارت بر آنها و با هدف اجرای فرایندها و سیاست های کلان اثربخش در این حوزه می‌شود. (۴)

حق بر سلامت دارای ابعاد گوناگون جسمی، روانی و حتی معنوی و اجتماعی است، اما در این نوشتار صرفاً به موضوع "حق بر سلامت روان" پرداخته می‌شود. در بستر سیاست گذاری جنایی مبتنی بر اصلاح و درمان، بازپروری زنان بزهکار مبنای تدابیر اتخاذی در این عرصه است. این نگاه حمایتی، از یک سو باید در تمامی جنبه های فرایند پاسخ دهی مورد توجه سیاستگذاران و کارگزاران عدالت کیفری قرار گیرد و از سوی دیگر نظام عدالت کیفری باید تدابیر و ابزارهای مناسب را برای دسترسی به این هدف به کار گیرد. حال با توجه به جایگاه مهم ارتقای سلامت روان زنان بزهکار در تحقق اهداف اصلاحی-درمانی، اتخاذ سیاست های سلامت محور در عرصه پاسخ دهی، محور اصلی برنامه های بازپرورانه است. سلامت روان می‌تواند مفاهیمی گسترده چون رشد فکری، عاطفی و معنوی، درک مثبت از خود، احساس خودارزشی، هماهنگی درونفردی، توانایی لذت بردن از زندگی و توانایی سازگاری و خودمدیریتی را نیز توسعه بخشد. سلامت روان صرفاً به معنای نبود بیماری روانی نیست، بلکه وضعیتی پویا از تعادل درونی است که افراد را قادر می‌سازد از توانایی های خود در هماهنگی با ارزشهای جهانی جامعه استفاده کند. توانایی تشخیص، بیان و تعدیل احساسات خود و همدردی با دیگران، انعطاف پذیری و توانایی مقابله با حوادث را شامل می‌شود. مؤلفه های سلامت عاطفی، خوشبختی، علاقه به زندگی و رضایت است. دوست داشتن خود، عملکرد مطلوب در مسئولیت های روزمره، داشتن روابط خوب با دیگران و رضایت از زندگی شخصی، شاخص های به زیستی روانی است. به زیستی اجتماعی نیز مشارکت اجتماعی، ادغام اجتماعی و انسجام اجتماعی را شامل می‌شود. این سه حیطه در حوزه سلامت روان جای می‌گیرند. (۵) فهم این مطلب که زنان زندانی در خانواده چه فرایندهای اجتماعی و حتی روحی-روانی را تجربه کرده اند بسیار مهم است، زیرا تجربه ی داشتن خانواده ی نامنسجم و زندان مشکلات زنان، خانواده و جامعه را افزایش می‌دهد و آنها بعد از آزادی از حبس با طیف وسیع مشقات نظیر نداشتن درآمد کافی، اعتیاد و مصرف الکل، ضربه ی روحی، کاهش سلامت روان، نگهداری از فرزندان در زندان، رها شدن فرزندان، طرد شدن از سوی خانواده و انزوای اجتماعی، آشنایی با دوستان ناباب و تجاوز جنسی روبه رو می‌شوند. یکی از مسائل اجتماعی مهم که نظم، امنیت و سلامت افراد را به خطر می‌اندازد، جرم در گروه زنان است.

بر اساس اعلام انجمن جامعه شناسی ایران (۱۳۸۸) در دهه ی ۸۰ حدود ۴ درصد از محکومان زندانی را زنان تشکیل می‌دادند. این رقم در سال های اخیر بیش از ۲۰ درصد افزایش یافته است. بر اساس اعلام معاون قضایی سازمان زندان ها (۱۳۹۳)، ۵/۳ درصد زندانیان را زنان تشکیل می‌دهند. بر اساس گزارشی دیگر این میزان حدود ۶ درصد است. اگرچه زنان نسبت به مردان کمتر مرتکب جرم می‌شوند، اما امروزه تحقیقات نشان می‌دهد که در ایران و دیگر جوامع شرقی و غربی، تعداد زندانیان زن رو به افزایش است از مهمترین مسائل زندان زنان، مسئله ی زنان باردار، زنان مادر و سوء استفاده ی جنسی و وابستگی به مواد مخدر است. مطالعات نشان م‌دهد که میزان خودکشی در زندانیان ۶ برابر جمعیت عمومی گزارش شده و این وضعیت در زنان زندانی بیشتر از مردان زندانی مشاهده شده است. از طرف دیگر، معضل خودآزاری زنان زندانی عامل دیگری برای بروز خطر مرگ و آسیب های جدی روانی برای آنهاست که در این میان زنان زندانی مکرراً از مشکلات مربوط به سلامت روان شامل استرس پس از زندانی شدن، افسردگی و خودآزاری رنج می‌برند. برخی از مطالعات انجام شده در زندان های ایران نشان می‌دهد که حدود ۵/۸۷ درد از زندانیان به داشتن نوعی اختلال روانی مشکوک هستند و در این میان زندانیان زن بیشتر از زندانیان مرد از بیماری های روانی رنج می‌برند. (۶)

همچنین در زندان ها حقوق زنان برابر مردان فرض شده، اما دسترسی زنان به حقوق شان به ندرت اتفاق می‌افتد، زیرا سیستم زندان ها در درجه ی اول بر اساس نیازهای مردان طراحی شده است. به همین دلیل در بیشتر موارد به نیازهای ویژه ی زنان بی توجهی می‌شود. شایان ذکر است که با پایان دوره ی محکومیت، مشکلات زنان به پایان نمی‌رسد، گاهی آزادی سرآغاز بسیاری از مشکلاتی است که زن مجرم با آن دست به گریبان است. از جمله مشکلاتی که پس از آزادی زندانیان زن به وجود می‌آید، آمادگی نداشتن برای ورود به جامعه، از دست دادن امکانات رفاهی، بی پولی، بدنامی، بیکاری، تشدید اعتیاد، از بین رفتن روابط خانوادگی و سختی سازگاری با زندگی جدید است. (۷) ویژگی های متفاوت زنان و مردان زندانی لزوم توجه به تفاوت های جنسیتی را دوچندان می‌سازد. پژوهش های متعدد در این خصوص آشکار می‌سازد که زنان زندانی افرادی هستند که از نظر اقتصادی و اجتماعی به حاشیه رانده شده اند و تجربه قربانی شدن، سوء مصرف مواد مخدر، مشکلات سلامت روان و درگیری در روابط آسیب زا را با خود دارند نابراین توجه به ویژگی های جسمانی و زیستی زنان در دوران حبس نیازمند ملاحظه و توجه است. زیرا نقش های جنسیتی زنانه همچون سرپرستی خانوار، مادری، بارداری و شیردهی و حتی مجرد بودن نیاز به رفتارها و حمایت های مختص به خود دارد که نوع مدیریت زندان و همچنین مطالبات زندانیان زن را با مرد متفاوت می‌سازد. حال آن که مردانگاری زنان و تحمیل شرایط مردانه زندان، زنان را به سمت جرائم مردانه سوق می‌دهد. زیرا عوامل ساختاری این ظرفیت را دارند که تسهیل کننده و یا مانعی برای بازگشت موفقیت آمیز مجرمان سابقه دار به جامعه باشند. ازاین رو بر احتمال متهم شدن دوباره آنها اثر می‌گذارد و شرایط زندان می‌تواند اثرات منفی

آموزه های ارزشمند اسلامی در خصوص بازپروری بزهکار مطالعه راهبردهای رویه قضایی جمهوری اسلامی ایران ضروری و لازم است. هدف از این مقاله تبیین وضعیت موجود و ارایه راهکارهای مشخص در خصوص وضع قوانین مناسب برای بازپروری زنان بزهکار در رویه قضایی و برنامه های بازپروری توسط نهادها و سازمان های مربوطه با توجه به یافته های جرم شناسی است. همچنین با توجه به اهمیت مسئله تأمین جامعه از خطرات بزهکاران و نیز بازپروری و اصلاح آنان در ققه و حقوق، نگارنده درصدد است تا با بررسی فقهی حقوقی برخی اقدامات بازپروری علاوه بر تبیین مصادیق شناسایی شده مرتبط با مصادیق موجود در ققه در قانون مجازات اسلامی نشان دهد که حقوق اسلام از مسئله تأمین جامعه از خطر مجرمین و اصلاح و تربیت آنان غفلت نکرده و علاوه بر وضع مجازات، برای اصلاح مجرمین دارای روش های مفیدی است. با ذکر این مقدمه به بررسی فقهی و حقوقی بازپروری زنان بزهکار با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می پردازیم.

۱- مفهوم باز پروری در ققه^۱

مطالعات انجام شده در زمینه علت شناسی، بشر را به نقش خاص عوامل جسمی و روانی و اجتماعی در ارتکاب جرم و اصلاح و بازپروری افراد بزهکار سوق داد و در پی آن برخلاف گذشته که شخص را در ارتکاب جرم بر اساس اراده آزاد مستحق مجازات می دانستند؛ اختیار کامل او را نفی و حتی گاه عمل انسان را بر اساس جبر قلمداد نموده و از طرفی ضمن دسته بندی بزهکاران به افراد غیرقابل درمان و افراد اصلاح پذیر بر درمان بزهکاران دسته دوم و به کارگیری اقدامات درمانی تأکید می نمایند. پس از جنگ جهانی اول، کاربردی شدن علوم در حل معضلات و گسترش تولیدات، داشته و رشد علوم روانشناسی، روانپزشکی و جرمشناسی در سده بیستم، تقویت جایگاه نظریه بازپروری را در پی داشته است. علیهذا در قرن بیستم، علیرغم اقدامات اصلاحی صورت گرفته، همچنان در جوامع غربی ارتکاب جرایم خشن امری معمول بوده به گونه ای که در دهه ۷۰ کم کم کارایی نظریه بازپروری زیر سؤال رفته و تحت تأثیر اقتصاد سرمایه داری، واژه هایی چون کارایی، اثربخشی و هزینه فایده به تدریج وارد حوزه عدالت کیفری شد و نهادهای عدالت کیفری چون زندان، پلیس و دادگاه ها برای ارائه نتایج مطلوب تر تحت فشار قرار گرفته و برای تأمین نیازهای مالی نیاز به ارائه اطلاعات مربوط به میزان اثربخشی اقدامات خود داشته اند. از طرفی نامعین بودن کیفرها و نقش و اختیار زیاد قضات و کارکنان عدالت کیفری در تعیین میزان کیفر، مورد انتقاد روشنفکران و طرفداران حقوق بشر قرار گرفته است. با همه این ایرادات، هنوز هم آثار نظریه بازپروری در نظام های کیفری جوامع به خوبی قابل ملاحظه است و نهادهایی چون تعلیق مراقبتی، آزادی مشروط، می تواند از آثار این نظریه باشد. در واقع، شکست برنامه های اصلاحی و درمانی، ممکن است به دلیل فقدان منابع مالی و انسانی لازم، اجرای ضعیف برنامه، عدم هماهنگی میان نهادهای

برجای بگذارد که زندانی هیچ انتخابی به غیر از بازگشت به فعالیت های غیرقانونی برای رفع نیازهای خود نداشته باشند. (۸)

تقنین، سیاست حبس زدایی از سال ۱۳۶۸ و به موجب قانون برنامه ۵ ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شروع شد و در قوانین بعدی توسعه و سیاست های کلی نظام، بارها بر آن تأکید قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری مصوب گردید و نهایتاً ۱۳۹۲ گام های اساسی و جدی در این زمینه برداشتند؛ اوج اقدامات مقنن نیز در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ متجلی گردیده است. همچنین بخشنامه ها و دستورالعمل های متعددی در قوه قضائیه در راستای تحقق این سیاست صادر گردیده از جمله سند تحول قضایی که در تاریخ ۳۰/۹/۱۳۹۹ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید نیز بر اجرای سیاست های حبس زدا تأکید نمود. در نتیجه سیاست مذکور با توجه به مبانی مختلفی که برای آن وجود دارد، به عنوان یک سیاست کلان و کلی در نظام قضایی کشورمان پذیرفته شده است؛ لیکن اعمال آن با موانع قضایی و اجرایی متعددی روبه رو است. رویه قضایی در بسیاری از موارد علیرغم وجود شرایط قانونی اعمال زندان زدایی، از این سیاست پیروی نکرده و مبادرت به صدور حکم حبس می نماید. مضافاً اینکه در خصوص برخی از نهادهای حبس زدا نیز مشکلات اجرایی فراوانی وجود دارد. بنابراین شایسته است نواقص موجود شناسایی و راهکارهایی برای اصلاح آن ارائه گردد (۹). با توجه به نقش زنان در خانواده و اجتماع و وضعیت زنان بزهکار، بازپروری آنان توجه بیشتری را می طلبد تا با وضع قوانین، آیین نامه ها و اجرای سیاست ها و راهکارهای متناسب با نوع جرم، شرایط ارتکاب آن و نیازهای شخص مجرم از تکرار جرم پیشگیری گردد. رویکرد غالب رویه قضایی، سوق دادن نظام عدالت کیفری به پاسخگویی جنسیتی به زنان بزهکار و تدبیر برنامه های بازپروری خاص آنان است. در جمهوری اسلامی ایران قوانین و آیین نامه های اندکی مختص بازپروری زنان بزهکار وضع گردیده و نهادهایی مانند سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، موسسات و نهاد های وابسته به آن، سازمان بهزیستی کشور و وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در این زمینه فعال هستند. بررسی قوانین، برنامه ها و طرح های اجرایی که به طور عام متوجه بازپروری بزهکاران است و نیز آن دسته از مقررات و برنامه های خاص زنان بزهکار می تواند به تبیین وضعیت موجود و نقاط قوت و ضعف سیاست تقنینی، قضایی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران در خصوص بازپروری زنان بزهکار کمک نماید. امروزه یافته های جرم شناسی با توجه به مبانی روانشناختی و نقش اجتماعی زنان بر ایجاد شرایط و محیط های متمایز از مردان بزهکار و مساعدت های اقتصادی و حمایت های تقنینی لازم و کافی از زنان بزهکار تأکید می کند. با توجه به مطالب ذکر شده این پرسش ها مطرح می گردد: با توجه به یافته های علم جرم شناسی چه راهکارهایی در خصوص بازپروری زنان بزهکار وجود دارد؟ در رویه قضایی تا چه اندازه به این یافته ها توجه شده است؟ با توجه به افزایش نرخ بزهکاری و جمعیت کیفری زنان بزهکار و نیز

1. Rehabilitative

عدم اجرای صحیح و دقیق راهکارهای مناسب برای رسیدن به اهداف آن و انتقاد از افزایش تعداد زندانیان و بازگشت آنها به زندان پس از اجرای حکم (تکرار جرم)، بایستی در جهت اصلاح امور و در عین حال مبارزه ریشه ای با جرم و توجه به علل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن، اقدامات شایسته یک نظام کیفری اسلامی را در تعیین و اجرای مجازات، مورد توجه قرار داده و بین دستگاه قضایی و دانشگاه ها رابطه بهتری را ایجاد و از نتایج مطالعات علمی حقوقی و جرم شناسی استفاده بهتری نماییم (۱۲) در دین مبین اسلام و فقه جزایی، موضوع حبس و زندان دارای سابقه طولانی می باشد، به طوری که روایات متعددی از امامان معصوم علیه السلام، در مورد حبس و زندان وجود دارد که چه به عنوان ابزاری برای پرداخت حقوق طلبکاران و یا به عنوان یک مجازات مورد استفاده قرار گرفته است. اما آنچه باید توجه شود این است که این مجازات در تاریخ اسلام برای اصلاح فرد و جامعه و پرداخت حقوق به ناحق پرداخت نشده طلبکار می باشد و نه برای انتقام و سرکوب کردن افراد خطرناک، از این رو دین مبین اسلام همواره نظر بر اصلاح نوع بشر به طور کلی و در این نظرگاه، دید کاملاً دلسوزانه نسبت به جامعه اسلامی دارد. بر این اساس، مطالعه در منابع فقهی نشان می دهد مجازات زندان، یکی از کیفی‌هایی است که به صورت خیلی محدود در شریعت اسلامی و آن هم در جهت اصلاح مجرمین با رویکرد پیشگیرانه مورد استفاده قرار می گرفته است و غیر از حدود الهی که مجازات هایی با مدت های معلوم بوده از مجازات زندان استفاده نمی شده است. لذا استفاده از مجازات زندان در شریعت؛ از یک سو، مبتنی بر مالک های مشخص بوده که هدف از آن استفاده محدود از مجازات زندان بوده و از سوی دیگر فلسفه مجازات در اسلام دور کردن افراد خطرناک از جامعه و تامین اهداف اصلاحی و تربیتی بوده است. بنابراین در شریعت اسلام، مجازات زندان به عنوان یکی از مصادیق تعزیر، اقدامی تربیتی بوده که به دنبال تامین اهداف اصلاحی و پیشگیرانه است و چنانچه در مواردی که ضرورت ایجاب نموده از مجازات حبس به عنوان وسیله ای جهت دور نگه داشتن افراد خطرناک از جامعه استفاده شده است. در قوانین جزایی ایران، محدود کردن حبس، مورد توجه مسئولان قرار گرفته و اقداماتی در راستای کاهش جمعیت کیفری کشوری و استفاده از جایگزین های مجازات حبس صورت گرفته است اما هنوز به طور کامل محقق نشده و به اهداف تعیین شده دست نیافته است. چراکه جنبه بازدارندگی و اصلاح مجرمین بسیار کم رنگ به نظر می رسد و با وجود مجرمان خطرناک در کنار یکدیگر، محکومان مالی و مجرمان بدون سابقه و غیره، تحقق هدف اصلاح و تربیت و بازپروری مجرم را غیرممکن می سازد. با توجه به این مطالب این سوال به ذهن می رسد که به طور کلی حبس در شریعت اسلام چه جایگاهی دارد؟ با توجه به اهداف اصلاحی و تربیتی مجازات در شریعت اسلام و استفاده از مجازات حبس در مواقع ضروری و به طور محدود؛ چرا این رویکرد کمتر مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است؟ آموزه های دینی قطعاً راهگشای بسیاری از مسائل حقوقی در جامعه هستند که می توان آن را منشاء و منبع اتخاذ تصمیمات حقوقی خصوصاً در حوزه حقوق کیفری قرار

متولی اجرای آن، آموزش ناکافی مجریان برنامه، ضعف مبانی نظری یا تعارض دیدگاه ها در مورد اهداف طرح باشد. (۱۰).
 کتاب مقدس "قرآن" برای تربیت نفوس بشری و هدایت آنان نازل شده است تا از گمراهی و ضلالت به سوی نور هدایت شوند. تمام آیات قرآن کریم دارای جنبه تربیتی و اصلاحی است و مجازات های تصریح شده در قرآن جنبه تأمینی دارد. از اقدامات تأمینی و تربیتی که به وسیله آن هم اصلاح و تربیت مجرم و هم پیشگیری از جرم محقق می شود، "نگهداری در محل مخصوص" است. در قرآن کریم در آیه امساک در خصوص زنانی که مرتکب عمل زنا می شوند، دستور داده شده است تا در خانه نگه داشته شوند تا وقتی که بمیرند یا خداوند راهی برای خلاصی آن ها از حبس قرار دهد. منظور از "امساک" در این آیه نگه داشتن و حبس زنان در خانه هاست. این امر به منظور پیشگیری از این عمل زشت و ناپسند صورت می پذیرد. در مورد آیه مورد بحث دو باور وجود دارد: یک اینکه این آیه درصدد بیان مجازات زنان زانیه است که با نزول آیه دوم از سوره نور که مربوط به حدّ جلد زانیه و زانی است نسخ شده است؛ بنابراین بعد از نزول آیه جلد زناکار، دیگر نمی توان به دستور آیه سوره نسا عمل کرد و زناکاران را در محل مخصوص نگهداری نمود. برخی از روایات نیز بر اثبات این نسخ دلالت دارند. اکثر مفسران مانند علامه طباطبائی، الطبرسی، السیوری بر این باورند. باور دوم بر این است که آیه امساک نسخ نشده است و تعارضی نیز بین آیه امساک و آیه دوم سوره نور وجود ندارد؛ چرا که امساک زنان زناکار در جایی که دسترسی به جامعه نداشته باشند، حد زنا نیست تا با آیه جلد نسخ شود. سید ابوالقاسم خوبی در کتاب تفسیر البیان چنین گفته است: "هیچ کدام از آیات مذکور (آیه ۱۶ و ۱۵ و سوره نسا) نسخ نشده است. آنچه را که از آیه امساک مستفاد می شود می توان چنین دسته بندی کرد: یک) آیه حبس ابد در صدد بیان حکم مجازات زنان شوهردار که غالباً نیز در آن روزگار زناکاران حرفه ای بوده اند است. دو: این عمل جرم است و نیاز به اثبات دارد. راه اثبات منحصرأ از طریق شهادت چهار مرد مسلمان است که مرجع رسمی از ایشان طلب شهادت کرده باشد. سه: مجازات این زنان حبس ابد بوده است که خدا در مجازاتشان تخفیف داده و آن را به تازیانه تبدیل کرده است. بنابراین به نظر می رسد دیدگاه اول اقوی باشد زیرا ظاهر آیه حکم می کند که خدا قصد دارد تخفیفی در مجازات زنان زناکار بدهد. بنابراین آیه جلد (که حکم به تازیانه داده است) ناسخ حکم آیه امساک (که حکم به حبس ابد در خانه داده است) می باشد. (۱۱).

از مجموع بررسی های صورت گرفته در باب فلسفه کیفر به نظر می رسد اسلام دینی است که بر عقل و استفاده از نتایج تحقیقات علمی در همه زمینه ها از جمله در حقوق کیفری تکیه و برخلاف برخی نظریه های ناصحیح، یکی از پیشرفته ترین مکاتب فکری است. سیاست اصلی در پیش گرفته شده در اسلام، خصوصاً در تعزیرات که قسمت عمده کیفرهای قابل اجرا را به خود اختصاص داده است؛ علاوه بر تکیه بر مقابله ریشه ای و پیشگیری و پیش بینی خطرات، اصلاح بزهکار و بازگرداندن او به کرامت ذاتی و انسانی است. لذا به جای انتقاد از نظریه بازپروری و در عین حال

بازپرورانه، از مهمترین و امروزه، از مورد توجه ترین ابزارهای واکنشی به منظور پاسخ دهی به جرم است که تصمیم گیران سیاست جنایی، به منظور کاهش میزان تکرار جرم می توانند از آن استفاده کنند. لذا، محرومیت زندانیان از حقوق اساسی شان حین اجرای مجازات، کارکردهای بازپرورانه مجازات را از بین می برد. ایجاد محیط تحصیلی، رضایت از مسئولان و امکانات آموزشی در زندان از فعالیت های مهم در حوزه بازپروری زندانیان است که امکان دسترسی به محیطی که فرد سواد آموخته و با آموزه های تربیتی آشنا شود، فراهم می گردد. همچنان که با افزایش رضایت از امکانات تحصیلی، میزان عملکرد رضایت از فرهنگی مسئولان افزایش و با اجرای برنامه های آموزشی، تمایل به ارتکاب جرم کاهش می یابد. (۱۷)

در نتیجه در پهنه عدالت کیفری باید زمینه دسترسی به کمینه های زندگی که می تواند در جامعه پذیرسازی و همنوای کردن آنها با هنجارهای بنیادین اجتماعی مؤثر باشد، فراهم شود؛ بنابراین شناسایی رویکرد بازپرورانه در قلمرو عدالت کیفری و به کارگیری برنامه ها و شیوه های اصلاح و درمان از حق های بزهکاران به شمار می رود. بر این اساس، نظام عدالت کیفری به عنوان بخشی از حاکمیت باید اسباب دسترسی شهروندان به حق های بشری از جمله موجبات و ابزارهای بازپرورانه به منظور دوباره هنجارمند شدن بزهکاران را فراهم سازد. این رویکرد در بستر دولت های رفاه که اساساً خود را نسبت به وضعیت و سرنوشت شهروندان مسئول می پندارد، مورد پذیرش قرار می گیرد. در واقع، این دولتها گرایش افراد به بزهکاری و نقض هنجارهای بنیادین اجتماعی را نتیجه مدیریت گذشته تصور می کنند و به همین جهت در بستر عدالت کیفری درصدد جبران آن هستند. نتیجه ای که تمام این موارد در پی دارد آن است که امروزه حبس نه تنها در زندان، بلکه در تمام جامعه استمرار شایده دارد. حتی بتوان گفت که به تدریج از زندان کیفری کاسته و به نهادهای زندان گونه مانند نهادهای آموزشی، درمانی و... افزوده می شود. از همین رو، بر پایه آموزه های جرمشناسی اصلاح و درمان بازپروری مجرمان در راستای پیشگیری از تکرار جرم، هم حق بزهکاران است و هم تکلیف دولتها تا از این طریق زمینه های بازگشت مجدد به جامعه فراهم گردد. لذا سیاستگذاری ها و برنامه ریزی هایی که در راستای بهره مندی محکومان از آموزش نقش مؤثری در بازپذیرسازی اجتماعی آنها خواهد داشت که در نهایت پیشگیری از تکرار جرم را ایفاء می کند. (۱۸).

۲- جایگزین حبس زنان بزهکار در فقه اسلامی

دین اسلام برنامه کامل زندگی انسان ها برای تمام جوامع و قرون است؛ بنابراین باید قابلیت انطباق با شرایط و اوضاع و احوال متغیر جامعه را داشته باشد. از همین رو سیاست جنایی اسلام به دو بخش ثابت و متغیر تقسیم شده است که مجازاتهای حدود و قصاص و دیات بخش ثابت و مجازاتهای تعزیری قسم متغیر آن هستند. این دسته از مجازات ها دارای ویژگی های منحصر به فردی هستند که می توانند در پیشبرد هدف اصلاح و بازپروری بزهکاران مؤثر واقع شوند. با توجه به اینکه قسمی از سیاست جنایی اسلام متغیر است، این مسئله پیش می آید که آیا قواعدی در این قسم وجود دارد که به

داد. لذا توجه به حقوق کیفری در شریعت اسلام در کشورهای اسلامی نظیر ایران اهمیت اساسی دارد. (۱۳) کارکرد حبس به عنوان وسیله ای برای دور نگه داشتن خطر برای برخی از افراد در نظام فقهی اسلام کاملاً مشهود است که البته رویکرد اصلاحی به مجرمان در آن نماد بیشتری دارد. مجازات ها در شریعت اسلامی هرگز از مقدار ضرورت و نیاز در تامین مصلحت جامعه تجاوز نمی کنند. همانطور که در این تحقیق نشان داده خواهد شد؛ در قرآن کریم و از دیدگاه فقهای امامیه زندان به عنوان یک مجازات شرعی، جز در موارد استثنایی از جمله برای سارق که چند بار سرقت کرده و زن مرتد، جایگاهی ندارد. از آیات و روایات چنین استنباط می شود که حبس به عنوان بازداشت موقت مرسوم بوده و تجویز شده است. در شریعت اسلام زندان مجازات اصلی محسوب نمی شود بلکه تنها در موارد استثنایی برای جلوگیری از ضرر و زیان های احتمالی ناشی از جرم به جامعه مورد استفاده قرار گرفته است و به عنوان یکی از مصادیق تعزیر، اقدامی تأمینی و تربیتی است و جنبه اصلاح، بازدارندگی و پیشگیری از جرم را دارد. یکی از دلایلی که در اسلام به طور گسترده به مجازات زندان سفارش نشده این است که مجازات زندان نه تنها مجازات فردی محسوب نمی شود بلکه مجازات یک خانواده به عمل می آید، چطور ممکن است به خاطر ارتکاب جرم از سوی یک نفر برای مدتی یک خانواده را از نعمت پدر و یا بعضاً از نعمت مادر محروم ساخت و حال آنکه این کار علاوه بر مجازات شخص تبعات گوناگون از جمله فقر مادی، فقر عاطفی و فقر فرهنگی را برای یک خانواده به بار می آورد. لذا تغییر تفکر حبس محوری در احکام کیفری مراجع قضایی در راستای کاهش استفاده از مجازات حبس ضروری است و باید مورد توجه قرار گیرد. چه بسا این که در زندان های جامعه امروزی ما، جنبه بازدارندگی و اصلاح مجرمین بسیار کم رنگ به نظر می رسد، چرا که با وجود مجرمان خطرناک در کنار یکدیگر، متهمانی که هنوز مجرمیت آنها ثابت نشده است، محکومان مالی و مجرمان بدون سابقه و... کاملاً این هدف والای انسانی که همان اصلاح و تربیت و باز پروری مجرم است را منهدم و در کل این هدف را به بیراهه منحرف ساخته است. بنابراین نهادهای حاکمیتی باید تمام عوامل قانونگذاری و قضات دستگاه قضایی، علی الخصوص قضات از نزدیک با معضلات و تبعات این مجازات خانمان سوز آشنا شوند (۱۴)

استفاده کمینه از حبس در فقه اسلامی هدف شریعت از نظام کیفری، بازدارندگی از وقوع جرم، حمایت از مصالح فردی و منافع عمومی، اصلاح و بازپروری و در یک کلام، تحقق عدالت و امنیت فردی و اجتماعی است. یکی از حقوقدانان مسلمان در این زمینه می نویسد: "هدف از مجازات ها در اسلام، اصلاح نفوس و تهذیب آنها و تلاش در جانب سعادت جوامع بشری است، نه تعذیب". (۱۵) تحولات در کشور ما همانند دیگر کشورها زمینه ی اصلاح سیستم عدالت کیفری را در جهت استفاده از جایگزین های حبس به ویژه نسبت به اقتدار آسیب پذیرتر نظیر زنان فراهم نموده است چرا که وضعیت و شرایط آنها به گونه ای است که محدودسازی کیفر حبس نسبت به ایشان و ضرورت به کارگیری جایگزین های زندان برای آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است (۱۶). رویکرد اصلاحی و درمانی

از جامعه است. مانند: اعدام و زندان دائم (۲۱). جایگزین های حبس در حقوق کیفری ایران به دو دسته جایگزین های سنتی و جدید تقسیم شده اند. الف) جایگزین های سنتی: جایگزین های سنتی یعنی جایگزین هایی که از بدو تدوین قانون به آنها اشاره شده است. که عبارتند از: آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، جزای نقدی و مجازات های محرومیت از حقوق اجتماعی. ب) جایگزین های جدید: جایگزین های جدید حبس عبارتند از: دوره مراقبت، جریمه روزانه، خدمات عمومی (کار عام المنفعه)، حبس در منزل، نظارت الکترونیکی آسیب های زندان، ضرورت حبس زدایی را توجیه می نماید.

۲-۱- مجازات متناسب با زنان بزهکار
مجازات باید به گونه ای تعریف گردد که تبعات آن فقط شامل فرد بزهکار گردد. عدم وجود کنترل روی فرزندان زندانیان، فقر معنوی و مادی نزد همسران زندانی، اثرات مخرب روحی روی والدین زندانیان، مسائل بفرنج خردسالانی که همراه مادران در زندان به سر می برند، فقط بخشی از تخطی زندان از اصل شخصی بودن جرم و مجازات است. (۲۲). بدیهی است زنان بزهکار در پرتو قوانین و مقررات کلی می توانند از تدابیر پیش بینی شده جهت استفاده از جایگزین های کیفر حبس بهره گیرند. با این حال همچنان که تفاوت گذاری های ناشی از موقعیت های زیست شناسانه (بارداری، زایمان) و اجتماعی (مادری) زنان در قلمرو حقوق کیفری، طبیعی و بدیهی می نماید در ضرورت توجه خاص به این موقعیت ها در مرحله اجرای حکم نیز نباید تردید نمود. در عرصه کیفر حبس تنها تبعیض مثبت برای زنان را باید در بطن ماده ۶۹ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جستجو کرد که مقرر داشته است: " زندانیان حسب سابقه، سن، جنسیت، نوع جرم، تابعیت، مدت مجازات، وضع جسمانی و روانی، چگونگی شخصیت و استعداد به یکی از قسمت های زندان یا مؤسسات تأمینی و تربیتی معرفی می گردند." در تبصره آن هم پیش بینی شده است که " زندانیان زن می توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند." (۲۳). اما اصل بیستم قانون اساسی مقرر می دارد: " همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند." نیز اصل بیست و یکم اشعار می دارد: " دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید" (۲۴). بنابراین بدون هیچ تردیدی باید ضمانت اجرای جایگزین حبس را در خصوص زنان با اهتمام خاصی مورد توجه قرار داد. آن هم به جهت خصوصیات خاص زنان و نقش آنها در خانواده که از منظر تهیه کنندگان ایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان دور مانده است. (۲۵)

بنابر اصل برابری افراد در قبال قانون، حقوق کیفری ذاتاً غیر شخصی است، یعنی برای همه تابعان یکسان است. بدین جهت قانونگذار هنگام تعریف جرائم و تعیین مجازات ها از معیار دوگانه استفاده نمی کند (۲۶). اما در موارد استثنایی به عنوان یک امتیاز و حمایت برای برخی تابعان از این اصل عدول می شود. یکی از این موارد استثناء بر اساس جنسیت و حمایت از جنس زن است. البته این

موجب آن، اختیارات گسترده ای به حاکم اسلامی داده شده باشد تا بتواند با توجه به شرایط و موقعیت های پیش آمده، به تعیین مجازات ای متناسب و تأسیس نهادهایی در راستای اصلاح و بازپروری بزهکاران بپردازد؟ از سوی دیگر، یکی از اهدافی که تصمیم گیران سیاست جنایی از اعمال پاسخ های کیفری دنبال می کنند، اصلاح و بازپروری بزهکار به منظور اجتناب از تکرار جرم او است. تعویق صدور حکم از جمله نهادهایی است که در پی اصلاح و بازپروری بزهکار است. این نهاد در قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. با معلق کردن صدور حکم مجازات، بزهکار در کانون جامعه و خانواده قرار می گیرد و فرصت پیدا می کند که به شهروندی مطیع قانون تبدیل شود و والی مسلمانان که مدیریت جامعه را برعهده دارد و تبلور اعمال اختیار او در این خصوص در دستگاه قانونگذاری و مقننه است، می تواند با توجه به مصلحت جامعه و موقعیت زمانی، مجازات های متناسبی را تعیین کند؛ به خصوص در مورد مجازات های تعزیری که مربوط به تخلف از الزامات و تکالیف حکومتی است، با قوت و اطمینان بیشتری می توان بر این عقیده بود. (۱۹) سیاست جنایی اسلام به دو بخش ثابت و متغیر تقسیم می شود. در بخش مجازاتهای ثابت، آیات و روایات و قواعدی مبنی بر لزوم اجرای این مجازاتها وجود دارد و اگر در مواردی دیده می شود که نسبت به اجرای این مجازاتها تأخیری حاصل شده، بدان جهت بوده که مانعی بر سر راه اجرا قرار گرفته و در صورتی که این موانع برطرف شود، مجازات اجرا خواهد شد. ضمناً این لزوم قطعی بودن اجرا و عدم تأخیر در این گونه جرائم به معنای خشک بودن و عدم لطافت شریعت اسلام نیست؛ زیرا اثبات این مجازاتها مشروط به شرایط سختی شده و همچنین عفو و گذشت مجنی علیه را نیز پیش بینی نموده است. ولی در بخش مجازات های متغیر و انعطاف پذیر که همان تعزیرات هستند، قواعدی وجود دارد که طبق آنها به حاکم اسلامی اجازه داده شده تا در مناسبت ها و پیشامدهای گوناگون، در کلیه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، عبادی و ... تأمین مصالح فرد و جامعه اسلامی و پیشبرد اهداف نظام اسلامی را مدنظر قرار دهد و در چهارچوب یک سیاست جنایی سنجیده و ملهم از اصول و مبانی شریعت، به جرم انگاری رفتارهای خاص با ضمانت اجرای کیفری متناسب و کارآمد متوسل شود از جمله آنها قواعد "التعزیر بما یراه الحاکم" و "التعزیر دون الحد" و "التعزیر لکل معصیه" است که بنابراین سه قاعده حاکم شرع می تواند هر معصیتی را که در شرع مقدس برای آن مجازات حدی پیش بینی نشده جرم انگاری کند و مجازاتی را که به مرحله حد نرسد، برای آن پیش بینی نماید. قانونگذار با توجه به قواعد و مبانی فقهی که در باب تعزیرات وجود دارد، چنین نهادی را در مواد ۴۸ تا ۴۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی کرده است. (۲۰)

مجازات ها به سه دسته تقسیم می شوند: الف) مجازات هایی که هدف آن تنبیه و آگاه ساختن، همچنین ترساندن و ایجاد خوف و هراس است، از قبیل: غرامت، مجازاتهای سالب آزادی کوتاه مدت. ب) مجازاتهایی که هدف آنها اصلاح بزهکار است. مانند: مجازات زندان طولانی مدت. ج) مجازاتی که هدف آن طرد مجرم

آنها را می پذیرند. باین حال، برای بسیاری از زنان سابقه دار، بازسازی زندگی مسیری سخت و ناهموار است چنان که از آنان، پس از خروج از زندان با چالش‌ها و مسائل عدیده‌ای مواجه اند که گذشته از آسیب پذیر کردن آنها احتمالاً در بسیاری مواقع، این مشکلات به زندانی شدن مجددشان منجر می شود. بنابراین، در این پژوهش، زندگی پس از زندان، چالش‌های آن و همچنین، مدیریت این چالش‌ها و نیز عوامل مؤثر بر بازسازی زندگی شامل عوامل تاثیرگذار در توفیق یا شکست این فرایند باید بررسی شود. در واقع، زنان محبوسی که سرمایه‌های اجتماعی بیشتری دارند، شانس موفقیت‌شان در بازگشت به جامعه بیشتر است. طرد شدن، نبودن حمایت‌های اجتماعی و دسترسی نداشتن به فرصت‌های شغلی ایمن، باعث می شود زنان دائماً با چالش‌های جدی درگیر شوند و همین مسئله، احتمال ارتکاب مجدد جرم را افزایش می دهد.

براین اساس، در زمینه مدیریت چالش‌ها و استراتژی‌های مطلوب زنان برای کاهش تبعات حبس، خدمات جامعه‌محور و جامع‌یاب وجود ندارند یا میزان آنها اندک است که این امر، باید به طور جدی مطالعه و بررسی شود. نهادها و سازمان‌های ذی ربط، چه نوع خدمات و حمایت‌های اجتماعی و جامعه‌محوری را پس از خروج از زندان، به زنان ارائه می دهند و زنان چگونه از وجود این خدمات مطلع می شوند و از آنها چه استفاده‌هایی می کنند. همین امر سبب گرایش مراجع تقنینی و قضایی به استفاده از جایگزین‌های آن شده است. چرایی و چگونگی تحدید حبس نسبت به زنان از مسائلی است که ذهن اندیشمندان و سیاست‌گذاران را در سطوح ملی و بین‌المللی به خود معطوف داشته است. تحقیقات حکایت از ضرورت مضاعف به کارگیری جایگزین‌های حبس برای این دسته از محکومان دارد. افزون بر آن که کیفر حبس نه تنها به بروز و شیوع بیماری‌های روانی و افزایش خودآزاری میان آنها در محیط‌های زندانی می انجامد که اصولاً ساختاری مردانه داشته و در عمل نمی‌تواند چندان به بازپروری ایشان کمک کند، بلکه حبس موجب تشدید خطر بزهکاری در ایشان و حتی فرزندان آنها، چه در محیط زندان و چه خارج از آن خواهد شد.

۲-۲- ضرورت مجازات جایگزین حبس زنان بزهکار در راستای بازپروری

در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در حوزه خشونت علیه زنان که در چارچوب قطعنامه ۱۸۷/۶۵ مجمع عمومی تهیه و از سوی دبیر کل سازمان ملل در آگوست ۲۰۱۳ به این مجمع ارائه شده بود ضمن تأکید بر مشکلات روحی زنان زندانی، تصریح شده بود چنین مشکلاتی هم می‌تواند علت و هم نتیجه‌ی حبس باشند. خدمات ناکافی مراقبت‌های بهداشتی، ازدحام بیش از حد و عدم ایمنی در برابر سوءاستفاده‌های عواملی هستند که می‌توانند در زندان چنین مشکلاتی را برای ایشان تشدید کنند. بلابودن نرخ خودآزاری زنان زندانی از دیگر چالش‌های مهم زنان زندانی به معضل رواج خودآزاری میان آنها بر می‌گردد. مطالعات میدانی در بسیاری از کشورها بر صحت این مسأله دلالت دارند. تحقیقی که بین ژانویه سال ۲۰۰۴ تا دسامبر ۲۰۰۹ در زندان‌های انگلستان و ولز انجام شده بود نشان می‌دهد که میزان خودآزاری در زندانیان زن بیش از

تفاوت در مجازات به جهت تفاوت در ساختار طبیعی خلقت زن و مرد و تفاوت بین وظایف و تکالیف آنها می‌باشد. سیاستگذاران جنایی بنا به ملاحظات زیستی، فیزیولوژیک ویژه زنان و قدرت تحمل پایین آنها در برابر کیفر شلاق یا حبس، سیاست ویژه کیفری یا تقنینی ارفاق‌آمیز نسبت به بزهکاران زن وضع می‌کنند. همچنین بارداری، زایمان و شیردهی از مسائل خاص زنان محسوب شده و گاه بزهکاران زن با ادعای مسائل فوق‌خواستار عدم تحمل کیفر هستند که به دلیل گذرا و موقتی بودن این موضوعات، عدم تحمل کیفر نیز موقتی بوده و در واقع تنها اجرای کیفر به تأخیر خواهد افتاد. همچنین جدا سازی زنان زندانی از کودکانشان یا نگهداری آنها در محیط پرخطر زندان، یکی از مشکلات جدی عدالت کیفری است؛ زندان‌ها مکان امنی برای زنان باردار و کودکان خردسال شیرخوار نیست. از طرفی جداسازی آنها از مادر مصلحت نیست. با همین داده‌های اندک میتوان تا حدودی به این واقعیت تلخ رسید که زنان در زندان مشکلات بیشتری را تحمل می‌کنند. از میان مجازات‌های جایگزین به نظر می‌رسد، بازداشت خانگی (حبس در منزل) مناسب‌تر به حال متهمین زن باشد. حبس خانگی ضمانت اجرای بینابینی است که نظارت و مجازاتی بیش از تعلیق مراقبتی و مجازاتی کمتر از زندان پیش‌بینی می‌کند و انتظار می‌رود که اهدافی چون ناتوان کردن شخص برای ارتکاب جرم جدید، مجازات و بازپروری (با اجازه دادن به مجرمان برای زیستن در جامعه به جای زندان) را برآورده کند. برای نظارت بر افرادی که در مورد آنها ضمانت اجرای حبس در منزل اعمال می‌شود، از فناوری نظارت الکترونیکی استفاده می‌شود. برنامه‌های حبس خانگی بدین علت طرح ریزی شده اند که نسبت به برنامه‌ی تعلیق مراقبتی فشرده یا هر نوع جایگزین نظارت اجتماعی دیگر، تنبیهی‌تر باشند و به عنوان آخرین شانس پیش از زندان رفتن تلقی شوند. اما با توجه به اینکه محکومان به جرایم سبک مشمول این مجازات می‌شوند، انتظار می‌رود با توجه به اصل فردی کردن مجازات‌ها و با توجه به رعایت مجازات مناسب‌تر به حال متهم در مورد زنان بزهکار چنین مجازاتی در نظر گرفته شود تا جامعه‌ای با درجه سلامت بالاتری داشته باشیم.

برای محکومی که مدتی از عمر خود را در زندان گذرانده است، دوران پس از حبس یکی از مهمترین مراحل زندگی محسوب می‌شود. زنان با چالش‌های فراوانی را در مسیر بازگشت به جامعه روبرو می‌شوند. این مسئله، حتی ممکن است مانع بازسازی زندگی در دوران پس از حبس شود و مسیر زندگی زنان را مجدداً به طرف ارتکاب جرم و به تبع آن زندانی شدن سو دهد به همین دلیل، شناسایی ابعاد زندگی زنان پس از دوران حبس و نحوه مواجهه آنها با دنیای اجتماعی و چالش‌های موجود در جامعه، فو العده اهمیت دارد. طبق پژوهش‌های موجود در زمینه زندگی پس از زندان و دوران بازگشت به جامعه، تاکنون پژوهش‌های اندکی این موضوع را ارزیابی کرده اند و همین تعداد نیز بیشتر رویکرد حقوقی یا مددکاری اجتماعی داشته اند. بازگشت به جامعه و سازگاری با آن و قرارگرفتن در مسیر بازسازی برای عده معدودی از زنان، مسیری تقریباً صاف و هموار است زیرا خانواده‌های آنان بازگشت مجدد

توان گفت نفس زن، و افزون بر آن مادر بودن می تواند در زمره ی مصادیق چنین حالتی قلمداد شوند تا اختیار دادگاه ها در صدور چنین احکامی با مانع چندانی روبرو نشود. (۱۶) در این راستا ماده (۷۲۸) به این ترتیب تصویب شد که "قاضی دادگاه می تواند با ملاحظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق و مجازات های تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید". در حقیقت همان گونه که برخی از حقوقدانان بیان داشته اند این ماده مبنای مشروعیت تعزیرات است که موجب توسعه اختیار قاضی کیفری در تخفیف یا تبدیل مجازات های تعزیری و حتی تعیین جایگزین های غیر کیفری و حتی اکفنا به توبیخ و تذکر در راستای تعیین واکنش مساعد مناسب تر به حال متهم می شود که بر سایر مقررات ناظر بر تعزیرات حاکم است. (۱۹،۲۰)

۳- بازپروری بزهکاران زن در رویه قضایی

جنبش حبس زدایی در پی آن است که با پیش بینی مجازات هایی غیر از زندان، اولاً تناسب و تعادل بین جرم و کیفر برقرار نماید، (فلسفه اول کیفر) ثانیاً زمینه اصلاح و بازپروری مجرم را به روش هایی که کمترین ضرر را برای شخص و جامعه داشته باشد فراهم کند. (فلسفه نهایی کیفر) بنابراین سیاست حبس زدایی به معنای "سیاست دولتی تعطیل تیمارستانها، زندانها و دارالتأدیب ها است. (۱۴)

منظور از رویه قضایی طرز کار و نحوه عمل و نهایتاً درک و استنباط قضات دادگاهها از قوانین است (۲۰). رویه قضایی به معنای خاص خود در جایی به کار می رود که محاکم یا دسته ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و به اندازه ای آراء راجع به آن مسئله تکرار شود که بتوان گفت هرگاه محاکم با چنین مشکلاتی روبرو شوند، همان تصمیم را خواهند گرفت (۱۳). رویه قضایی در مفهوم فنی به راه حل اطلاق می شود که به طور معمول دادگاه ها در برخورد با یک مسئله حقوقی ارائه می کنند (۱۴). روند تعدیل تفکرات کیفرگرا و اصلاح ساختار آسیب زای حبس، باعث شده در ایران نیز استفاده از جایگزین های حبس در دستور کار قرار گرفته و قانون گذار ایرانی تقریباً پنج درصد از مواد کتاب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به این دست از مجازاتها اختصاص داده است. ولی آنچه بایستی بدان توجه کرد این است: مجازاتهای جایگزین در ایران سابقه اجرایی نداشته و ممکن است در عمل در اجرای آنها مشکلاتی به وجود آید. (۱۷). تحول دیدگاه مراجع قضایی و پلیسی نسبت به زنان (چه شاکی و چه متهم)؛ امروزه شاهد تغییر دیدگاه های مبتنی بر فاکتور جوانمردی نسبت به زنان در میان ضابطین و قضات هستیم. زنان اغلب وارد دنیای بزهکاری می شوند، مجدد پس از تحمل مجازات یا اعمال اقدامات اصلاحی، به بزهکاری روی می آورند. به عبارت دیگر، دلایل بازگشت زنان به زندان یا مؤسسات کیفری به طور معمول همان دلایل ارتکاب جرم برای اولین بار است و این نشان می دهد که نظام کیفری و اصلاح و تربیت در برنامه های بازپروری خود پاسخ مناسبی به زنان مجرم نداشته است. زنان مجرم با همان مشکلاتی

ده برابر مردان بوده است. حسب این مطالعه بر خلاف زندانیان مرد که سالیانه صرفاً ۵ تا ۶ درصد از آنها مرتکب خودآزاری می شوند، این آمار در مورد زنان به ۲۰ تا ۲۴ درصد افزایش می یابد، یعنی حدوداً بین یک چهارم تا یک پنجم آنها در معرض این مشکل هستند، وخامت این امر جایی آشکارتر می شود که توجه شود در حالی که تنها پنج درصد زندانیان در انگلستان و ولز را زنان تشکیل می دادند اما پنجاه درصد خودآزاری های ثبت شده به آنها اختصاص داشته است. حسب یافته های این مطالعه تکرار خودآزاری میان زنان و دختران نوجوان رایج بوده است. در قسمتی از این بررسی اشاره شده آمار خودکشی در بیان چنین زندانیانی بیش از دیگران بوده است. تحقیق دیگری که در سال ۲۰۱۷ در سطح بین المللی و در بیست و چهار کشور انجام شده بود مشخص گردید زنان زندانی نه برابر در مقایسه با جمعیت عمومی زنان در جامعه، در معرض خطر مرگ ناشی از خودکشی هستند.

مردانه بودن ساختار زندان در گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در حوزه خشونت علیه زنان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از مهمترین مسائل زندان که تأثیر بسیار سوئی بر زنان بر جا می گذارد موضوع بازرسی های بدنی به ویژه از طریق برهنه سازی و قرار گرفتن تحت پایش های درون زندان است که به واسطه ی ایجاد احساس تخطی کارکنان زندان از اجرای مجازات مشروع نسبت به خود از سوی زنان زندانی، به آنها حس تحقیر دست می دهد بازدهی پایین کارکرد بازپروری زندان نسبت به زنان تعمق در عوامل پیش گفته چه از جهت نحوه ی برخورد کارکنان زندان با زنان و چه مشکلات و شرایط روحی زنان زندانی که در اثر شرایط محیطی برای آنها به وجود می آید گویای این حقیقت است که امکان اصلاح و بازپروری آنها به شدت کاهش می یابد. زندانی کردن زنان در مقایسه با مردان، آثاری متفاوت تر و البته نامناسب تر بر ایشان بر جای می گذارد، بنابراین نمی توان آثار بازپرورانه ی زندان نسبت به مردان را عیناً در خصوص زنان نیز صادق دانست. زنان زندانی معمولاً برای عامه ی مردم نامرئی و نامحسوس هستند، همین امر موجب می شود غالباً نیازهای آنها نادیده گرفته شود. دامنه ی رژیم ها و فعالیت های آموزشی آن ها به جهت شرایط زندان برای زنان محدودتر می شود. امکان بازپروری و جذب زن زندانی به آغوش جامعه پس از آزادی دشوارتر است زیرا در مقایسه با مردان چه بسا رنج ناشی از برجسب مجرمانه ای که تحمل می کنند شدیدتر است. (۱۱،۱۲) دادگاه ها در اغلب نظام های عدالت کیفری ملی تلاش نموده اند با استفاده از ضوابط قانونی بر تحقق این جایگزینی توجه نمایند. در قانون مجازات اسلامی کشور ما قانونگذار طی ماده (۶۴) بر لزوم توجه دادگاه به وضعیت و شخصیت مجرم در تعیین جایگزین های حبس تأکید دارد. جنسیت یکی از مؤلفه هایی است که در این بستر می تواند به مثابه ی عاملی تأثیرگذار در جایگزینی حبس توسط دادگاه مورد استناد قرار گیرد. علاوه بر آن در ماده موصوف مقنن صدور حکم به مجازات جایگزین را مشروط بر وجود جهات تخفیف دانسته است که به نظر با ملاحظه مفاد بند (ث) ماده (۳۸) که "وضع خاص متهم" را به عنوان یکی از کیفیات تخفیف دهنده در نظر گرفته است می

رویه آمارمحوری دستگاه قضایی، سیاست حبس زدایی را خشتی ننماید؛ نظارت بر عملکرد قضات از حیث پایبندی به سیاست های کلان قضایی در زمینه کیفرهای اجتماع محور، نظارت واقعی و مستمر بر چگونگی تشکیل پرونده شخصیت، ارتقای سطح دانش حبس زدایی قضات با برگزاری دوره های آموزشی مستمر، ارتقاء سطح امکانات اعمال مجازات های غیرسالب آزادی از حیث سخت افزاری و نرم افزاری و ارتقای آگاهی نهادهای مرتبط نسبت به حقوق و تکالیف خود و اصلاح فرهنگ حبس گرای عامه از جمله مهمترین راه کارهای برون رفت از وضعیت کنونی به شمار می روند.

۱-۵- چالش های قضایی

علیرغم وجود مقررات متعدد حبس زدا که در قوانین ماهوی و شکلی پیش بینی گردیده، قضات به علل مختلف در تصمیمات خود از آن استفاده نمی کنند و در صورت استفاده نیز به صورت کاملاً محدود نسبت به جرایم سبک اعمال می نمایند. چنانچه رویه قضایی ابا سیاست کلان زندان زدایی همسو نباشد و به عبارتی اگر قضات نهادهای عدالت کیفری، تمایلی به اعمال این سیاست نداشته حبس باشند، عملاً این که در زندان زدایی با شکست مواجه خواهد شد، خصوصاً به اتفاق مقررره های حبس زدا، به مقام قضایی اختیار داده شده که در صورت وجود شرایط مربوط، از آن تأسیس خاص استفاده نماید. به عبارتی سیاست جنایی قضایی همسو با سیاست جنایی تقنینی نیست." سیاست جنایی قضایی به معنای مضیق آن، شامل سیاست جنایی ای می شود که در تصمیم ها و رویه های دادگاه های دادگستری منعکس است". لذا به چند علت اصلی برای عدم توجه رویه قضایی، به سیاست حبس زدایی پرداخته می شود.

الف) حجم کار قضایی

علت اصلی عدم توجه قضات به سیاست حبس زدایی را می توان آمار ورودی پرونده ها به دستگاه قضایی دانست. "ناگفته پیداست که عدالت کیفری ای که دچار تراکم شدید پرونده باشد، به طور ناقص و به گونه ای به انتظار شهروندان پاسخ می دهد که غالباً تصویر عدالتی دور از دسترس، کند و نیز ناسازگار با شیوه کار خود و مجازات های صادره ارائه می دهد" (۱۳). در بسیاری از حوزه های قضایی، قضات بیش از ۲ برابر استاندارد در حال رسیدگی به پرونده ها می باشند. حجم بسیار زیاد پرونده ها باعث می شود مقام قضایی فرصت کافی برای پرداختن به اصل تفرید مجازات ها نداشته باشد چراکه بررسی وضعیت و شخصیت مرتکب، اوضاع و احوالی که باعث ارتکاب بزه شده، نقش بزه دیده و سایر عوامل دخیل در وقوع جرم، زمانبر می باشد و در شرایطی که عملاً پرونده شخصیت برای متهمین تشکیل نمی شود و در موارد اجباری نیز به

که وارد زندان ها و نهادهای کیفری می شود، پس از گذراندن دوره مجازات در جامعه رها می شوند. از این رو شناخت ماهیت و ویژگی های بزهکاری زنان قادر خواهد بود راه بازپروری آنان را روشن کند. بزهکاری زنان شامل خصوصیات فردی می باشد. این ویژگی ها منجر به متفاوت بودن آنان از بزهکاری مردان می شود. از آنجایی که قانون اساسی، قوه قضائیه را به عنوان متولی اصلی بازپروری مجرمان در ایران پیش بینی کرده است، تعدادی از مقررات تقنینی و فروتقنینی برای بازپروری مجرمان از یک سو با ایجاد نهادهای جدید مورد توجه قرار گرفته اند. زنانی که در زندان مدتی را گذرانده اند و به شرایط آن عادت کرده اند، پس از آزادی از آینده بسیار می ترسند. ترس از بی خانمانی، ترد خانواده و نزدیکی و فقر از با اهمیت ترین دغدغه های این زنان می باشد. از این رو قبل از ترخیص لازم است برای زندگی در جامعه آماده شوند. کوشش برای به دست آوردن شغل برای آنها، ارتباط با خانواده و متقاعد کردن خانواده برای پذیرش زن آزاد شده، دادن اطلاعات کافی در خصوص مراکز پشتیبانی و درمانی لازم است قبل از آزادی زن زندانی آغاز شود. (۱۲) تلقی عمومی از زن زندانی که به عنوان فردی غیرطبیعی که مرتکب جرایم شدید شده است، نه تنها غالباً موجب نادیده انگاری نیازهای آنها میشود بلکه امکان بازپروری و بازگشت به آغوش جامعه را در ایشان دشوارتر می سازد. لذا قاضی لازم است مجازاتی را تجویز کند که در بهبود حال مجرم تاثیرگذار باشد. این شیوه عمل منجر به شخصی شدن مجازات می شود، یعنی مجازات به گونه ای مشخص می شود که متناسب با مجرم باشد نه جرم. با تأکید کمتر بر جرم ارتکابی، نتیجه این می شود که برای دو مجرم که مرتکب جرم مشابه می شوند، در صورتی که نیازهای آنها مشابه نباشد، مجازات های متفاوتی تعیین می شود. (۱۸)

۵- چالش های بازپروری زنان بزهکار در رویه قضایی

جرم شناسان و کیفرشناسان، مدت‌هاست، به هر مناسبت، پیامدهای ناگوار زندان در زمینه بهداشتی، جرم شناختی، اخلاقی و اجتماعی را به متولیان سیاست جنایی گوشزد می کنند. در کشور ما نیز اگرچه، با توجه به همین هزینه‌ها و آثار نامطلوب زندان، سیاست حبس زدایی به ویژه برای جرایم سبک و بزهکاران فاقد سابقه کیفری، در اولویت قرار گرفته است، لیکن اجرای آن در عمل، با چالش های قضایی و اجرایی متعددی روبه رو است. فراوانی پرونده های کیفری، پایداری فرهنگ حبس محوری در بین قضات از یکسو و فقدان زیر ساخت های مناسب، ناآمادگی نهادهای پذیرنده و فرهنگ عمومی حبس پذیر جامعه، به ترتیب مهمترین چالش های قضایی و اجرایی در این زمینه است. لذا، تغییر فرهنگ حبس گرای قضات با استفاده از ضمانت اجرای متناسب، افزایش توجه مراجع عالی قضایی به لوازم اعمال این سیاست، به گونه ای که

رییس قوه قضاییه، ضابطه رسیدگی در هر یک از ۱/۱۰/۱۳۸۷ شعب جزایی، ۱۲۰ پرونده تعیین شده است. اما به موجب ماده ۱۰ دستور العمل ساماندهی تعیین اوقات رسیدگی به پرونده های قضایی در دادگستری مصوب ۲۵/۳/۱۳۹۹ رییس قوه قضاییه، بر خلاف مقررره فوق، قاضی متصدی شعبه را مکلف نموده از افزایش موجودی شعبه خودداری کند.

"قواعدی که از تصمیمات محاکم به دست می آید رویه ۱. قضایی نامیده می شود. تصمیم هر دادگاه به صورت رأی اعلام می شود، بنابراین، آرای صادره از محاکم، رویه قضایی نامیده می شود" (اسلامی پناه، ۱۳۹۷: ۲۴۳).
شایان ذکر است بموجب بند ۴ دستور العمل آزمایشی ۲ استاندارد زمان رسیدگی به پرونده های قضایی مصوب

آیین نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی و جایگزین های حبس ابلاغی ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه نیز برخی دیگر از سمت های قضایی از جمله رئیس کل دادگستری استان و رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح را مکلف نموده بستر لازم برای استفاده از تأسیسات حقوقی را فراهم نمایند. چنانچه فرهنگ زندان زدایی در بین مقامات قضایی ایجاد نشود و قضات دادسرا، دادگاه های بدوی و تجدیدنظر، دادرسان اجرای احکام و دیوان عالی کشور به وظایف و اختیارات خود در راستای اعمال سیاست حبس زدایی، اهتمام کافی نداشته باشند، عملاً این سیاست به شکست خواهد انجامید. در شکل گیری فرهنگ حبس گرا در بین قضات، دیدگاه جامعه نیز تأثیر بسزایی دارد.

ج) انتخاب نامتناسب نهاد های مربوط به حبس زدایی سومین چالش و مانع را می توان انتخاب نامتناسب نهاد حبس زدایی معرفی کرد. شایسته است در راستای انتخاب بهترین شیوه حبس زدایی، برای بزهکار پرونده شخصیت به نحو صحیح و قانونی تشکیل و در صدور حکم، با توجه به وضعیت و شخصیت مرتکب و اوضاع و احوالی که منجر به بزهکاری شده، بهترین و کارآمدترین شیوه حبس زدایی مورد انتخاب قرار گیرد. قاضی دادگاه نیز با مطالعه پرونده مزبور و ملاحظه پرونده کنونی، رأی مناسبی جهت اصلاح و تربیت مجرم صادر می نماید. در حال حاضر، بنا به گفته قضات محاکم کیفری حتی در موارد اجباری بودن تشکیل پرونده شخصیت نیز هیچ تحقیقی توسط مددکار اجتماعی در رابطه با شخصیت مرتکب، وضعیت خانوادگی و اجتماعی وی و سایر عوامل مرتبط در ارتکاب جرم انجام نمی شود و صرفاً یک فرم با استفاده از اطلاعاتی که در پرونده درج شده و یا از خود متهم سؤال می گردد، به صورت صوری تنظیم و در پرونده قضایی ثبت و ضبط می شود.

جهت انتخاب مناسب ترین شیوه، لازم است مقام قضایی علاوه بر برخورداری از علم و دانش کافی و اطلاع از سیاست های کلان نظام قضایی کشور، از اوضاع و احوال و شرایط اجتماع و شهری که در آن قضاوت می نماید نیز آگاهی کافی داشته باشد، سپس با در نظر گرفتن اصل تفرید، بهترین عکس العمل به جرم ارتکابی را انتخاب و اعمال نماید. ممکن است در یک پرونده، متهم شرایط برخورداری از تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات و یا اعمال جایگزین های حبس را داشته باشد، اینجاست که نقش قاضی پررنگ می گردد. با توجه به اختیاری بودن اعمال نهادهای حبس زدا، قاضی می تواند به مجازات قانونی حکم دهد یا اینکه با به کارگیری علم و دانش و اشرافیت بر سیاست کلان و شرایط جامعه، بهترین تصمیم در راستای تحدید کیفر حبس را اتخاذ نماید. یکی دیگر از موانع اجرایی، مربوط به نهادهای مرتبط با اعمال و اجرای سیاست حبس زدایی می باشد. یکی از جلوه های این مانع، عدم اطلاع نهادهای مرتبط، از مقررات و نحوه اجرای حکم می باشد. ماده ۵ آیین نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی نهادهای پذیرنده را مکلف به اعلام ظرفیت نموده است. عدم

صورت کار شنا سانه تهیه و تنظیم نمی گردد، قضات فرصتی برای پرداختن به این امور ندارند در نتیجه به سهل ترین شیوه یعنی مجازات زندان متوسل می شوند. آمارهای ورودی بسیاری از شعب دادسرا و محاکم کیفری بیش از ۲۰۰ پرونده در ماه می باشند. به عنوان مثال، بر اساس آمار ارائه شده توسط مدیریت آمار دادگستری کل استان فارس، میانگین ورودی هریک از شعب دادسرای شهرستان های مرودشت، سپیدان، المرود، خنج و برخی دیگر از حوزه های قضایی، در آبان ماه ۱۴۰۰ بیش از ۲۰۰ پرونده بوده؛ همچنین ورودی هر یک از شعب کیفری دو شهرستانهای آبادان، خنج، نی ریز، استهبان، المرود، کوار، کوه چنار، سپیدان و تعدادی دیگر از شعب، بیش از ۲۰۰ پرونده در آبان ماه ۱۴۰۰ بوده است.

ب) نگرش و فرهنگ حاکم بر قضات

بسیاری از مقامات قضایی با توجه به رویکرد سنتی، کیفر حبس را مجازات اصلی تلقی می کنند و به عبارتی فرهنگ حاکم بر قضات، فرهنگ حبس گرایی می باشد. برای موفقیت سیاست حبس زدایی، الزم است سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی، همسو و هماهنگ گردد، به عبارت دیگر «برای اجرای موفق یک سیاست در یک نهاد یا سازمان، همراهی و همسویی عناصر فعال (کنشگران) آن نقشی کلیدی را ایفا می کند؛ زیرا آنان مجریان واقعی و اصلی اجزای آن سیاست هستند. در مورد جایگزین های حبس که بدو تحت عنوان لایحه قانون مجازات های اجتماعی مطرح بود "بر پایه برآورد کمیته تنظیم و تدوین این لایحه، حدود ۴۶ درصد از جرم هایی که در قانون برای آن ها کیفر زندان پیش بینی شده است، مشمول این لایحه قرار می گیرند." اما در پرونده های قضایی، بر اساس برخی تحقیقات صورت گرفته حدود ۱۵ درصد از کل پرونده های مطروحه قابلیت دریافت یکی از عنوانهای جایگزین (اعم سنتی و نوین) را دارند، در صورتی که بر اساس آمار موجود تنها یک درصد از تمام پرونده های موجود با چنین احکامی مواجه می شوند. یکی راهکارهای تغییر دیدگاه قضات، استفاده از تشویق و تنبیه است. ماده ۲۶ دستورالعمل سازماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندانها مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه، به این موضوع پرداخته است. شایان ذکر است که قضات مکلفند طبق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اصل فردی کردن مجازاتها را رعایت نمایند؛ بنابراین توسل بی رویه یک مقام قضایی به حبس محکومان و بازداشت متهمین، به معنای عدم رعایت این اصل خواهد بود، بند پ ماده ۷ دستورالعمل فوق، محاکم تجدیدنظر را مکلف به اعمال سیاست حبس زدایی نموده است. دیوان عالی کشور نیز بر اساس تکلیف مقرر در اصل ۱۶۱ قانون اساسی می تواند نقش نظارتی مؤثری در پیشبرد حبس زدایی ایفا نماید. نقش قاضی اجرای احکام کیفری نیز در اعمال سیاست حبس زدایی چشمگیر است چراکه در مقررات مختلف، وظایف و اختیارات متعددی برای وی در راستای احراز شرایط زندان زدایی و پیشنهاد به محکمه، پیش بینی گردیده است. دادستان کل و دادسراها نیز به موجب ماده ۲۷ دستورالعمل ۱۳۹۸ در اعمال سیاست مذکور نقش دارند. ماده ۲

به نتایج مجازات‌های جایگزین حبس اطمینان چندانی ندارند آنان اثرات مخرب حبس را نادیده می‌گیرند. موانع و تحدیدات عدیده تقنینی و خلاءها و ابهامات موجود در قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس و نارسایی و ناکارآمدی آئین نامه اجرایی این مجازات سبب شده که به قضات تمایل چندانی اعمال جایگزین‌های نوین حبس از خود نشان ندهند. در صورتی که قاضی با توجه به دانش خود و مقتضیات پرونده می‌تواند تفسیری از قانون ارائه نماید که در عین اینکه معارض با روح قانون نیست، در جهت بازگشت بزهکار به جامعه و بازپروری او باشد. اما با بررسی احکام و آرای بعضی از آرای قضات مشخص می‌شود که در اکثر موارد از این ظرفیت قانونی چشم‌پوشی می‌شود.

۳-۵- چالش‌های اقتصادی

مجازات‌های جایگزین حبس از نظر اقتصادی مقرون به صرفه هستند و در مواردی برای دولت منافع اقتصادی به همراه دارند، اما همواره مشکلات اقتصادی از قبیل فقدان سرمایه‌گذاری در مجازات‌های جایگزین حبس، هزینه افزایش تعداد کارمندان، نقصان ارگانهای قضایی، وارد کردن تجهیزات و تکنولوژی مجازات‌های جایگزین حبس، معضل بیکاری و مشکل مسکن وجود دارد. در مجازات‌های جایگزین حبس، دوره مراقبت از تجهیزات الکترونیکی استفاده می‌شود اما سرمایه‌گذاری مادی در این زمینه صورت نگرفته است. همچنین در مجازات‌های جایگزین حبس، سرمایه‌گذاری انسانی با نقصان مواجه است. در صورتی که سرمایه‌گذاری نیروی انسانی در نهاد قضا، از طریق جذب نیروی انسانی جدید و آموزش نیروی انسانی موجود، باعث بهبود کیفیت در نهاد مزبور می‌شود و اجرای مجازات‌های جایگزین توسط قضات و کارمندان کارآمد، مشکلات به مراتب کمتری دارد.

کاستی‌ها و ضعف‌نهادها و سازمان‌های قضایی و حقوقی به دلیل کمبود منابع مالی‌زموراد دیگر است؛ گرچه قانونگذار در پی احتراز از آسیب‌های حاصل از حبس و ساختار آن، با مصوب کردن قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، نهادهای کیفری نوینی را پیش‌بینی نموده و فصلی را به مجازات‌های جایگزین حبس اختصاص داده است، اما این تغییرات در عرصه سیاست جنایی تقنینی و اجرایی به تنهایی کافی نبوده و برای حصول نتیجه، سیاست جنایی قضایی نیز باید خود را با نگاه جدید قانونگذار هماهنگ نماید. در اجرای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در نهادهای قضایی مرتبط با مجازات‌های جایگزین حبس کاستی‌هایی دیده می‌شود. مهمترین مشکل کمبود نیروهای متخصص در زمینه صدور و اجرای حکم و عدم وجود ناظران مجرب در امر نظارت بر مجرمین در زمان اجرای مجازات‌های مورد نظر است. در حوزه صدور احکام مجازات‌های اجتماعی به‌ویژه کیفر خدمات عام‌المنفعه، سازمان‌های تخصصی و کارشناسان تخصصی آموزش دیده‌ای وجود ندارد. مشکل دیگر، تعداد زیاد سازمان‌های متولی در حوزه اجرای مجازات کار عام‌المنفعه و عدم توجه به ظرفیت نهادها و شوراهای محلی تأثیرگذار است. (۱۱) بدیهی است که اگر صرفاً به دنبال اعمال مجازات بزهکار با شیم به این صورت که از تربیت و اصلاح وی غافل شویم و مجازات‌ها را با هدف ترهیب یا

آگاهی نهادها باعث بی‌اعتمادی آنان نیز می‌گردد، اجرای مجازات در دستگاه‌ها و نهادها، محکوم را مشمول مزایای قانون کار قرار نمی‌دهد. لازم است در راستای رفع این مانع، نسبت به آموزش کافی به تمامی مراجع مرتبط با اجرای سیاست حبس زدایی اقدام گردد و آگاهی لازم راجع به نحوه اجرای مجازات و حقوق و تکالیف بزهکار حاصل از اجرای کیفر، داده شود. (۲۳) البته مسئله دیگری که مطرح می‌شود این است که "فردی که محکوم به خدمت عمومی رایگان شده و در نهاد پذیرنده مشغول به کار میشود، مانند سایر کارکنان و کارمندان، در معرض آسیبهای احتمالی ناشی از کار قرار داشته و ممکن است دچار سانحه و آسیب گردد" (مؤذن زادگان، متین پارسا، ۱۴۰۰: ۳۶۵). بنابراین مشکلات ناشی از آسیب احتمالی بزهکار در هنگام اجرای کیفر، منجر به مقاومت بیشتر نهاد پذیرنده خواهد شد. از چالش‌های دیگر می‌توان به عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اشاره نمود. هر یک از این چالش‌ها می‌تواند نقش مهمی در اجرای صحیح و کامل بازپروری زنان بزهکار داشته باشد.

۳-۵- چالش‌های فرهنگی

بازپروری بزهکاران باید منطبق با فرهنگ عموم جامعه باشند؛ در غیر این صورت، امکان دارد که به موادی متروک و بی‌اثر تبدیل شود. از میان مصادیق مجازات‌های جایگزین حبس، تنها خدمات عمومی رایگان است که با توجه به نوع مجازات شیوه اجرای آن در بین عموم مردم ممکن است؛ از آنجا که مطابق قانون محکوم کردن مجرم به این نوع از مجازات منوط به رضایت مجرم است، و نظر به انتخاب آن از طرف مجرم باعث می‌شود تا مجرم تمام دوران محکومیت خود را در مقابل دیدگان مردم سپری نماید، اعمال این روش مجازات سبب می‌شود تا مردم به راحتی اقدام به زدن برچسب مجرمیت به مجرم نمایند، از این رو، مجرم تمایل چندانی به انتخاب این نوع از مجازات نشان نخواهد داد. در نتیجه می‌توان برچسب زدن را به‌عنوان یکی از موانع اجرایی مجازات‌های جایگزین حبس به‌شمار آورد. نظریه تأخر فرهنگی در مورد مجازات‌های جایگزین حبس یعنی اینکه قوانین مجازات‌های جایگزین حبس به وجود آمده است اما هنوز فرهنگ مواجهه با این پدیده به وجود نیامده است. عامه مردم، فرهنگ پذیرش و مواجهه با محکومین به خدمات عمومی رایگان را نداشته و نسبت به آنان رفتار مناسبی از خود نشان نمی‌دهند. کارآمدی این تدابیر در ایران، قبل از هر چیز، نیازمند بسط‌سازی حقوقی و از همه مهمتر فرهنگ‌سازی قضایی و اجتماعی است. قضات نقش عمده‌ای در اعمال مجازات‌های جایگزین حبس دارند. نقش قضات در اجرای قانون به حدی است که می‌تواند یک قانون را متروک نموده یا با تسری یک قانون به مواردی که در زمان وضع آن قانون اصلاً وجود خارجی نداشته است در عمل اقدام به جرم‌انگاری کنند. قضات موافق حبس معتقدند که با اجرای مجازات سالب آزادی، مرتکب برای مدتی از جامعه طرد شده و خطر او برای جامعه از بین می‌رود و در این صورت نظم عمومی که به وسیله ارتکاب جرم او از بین رفته بود، برای اجتماع اعاده می‌شود. اطمینان به بازدهی مجازات حبس چنان در میان قضات شکل گرفته و نهادینه شده که

تربیتی کشور وظیفه یافته است تا زندان ها را به عنوان منطقه بهداشتی تحت پوشش خدمات جامع و همگانی سلامت کشور قرار دهد. (۳،۴) هر چند سلامتی مطلوب همه است، اما در فضای بسته زندان اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه شرایط زندان اثرات بدی بر سلامتی جسمانی و روانی زندانیان دارد. از سوی دیگر، بودجه کم سلامت زندان، سهم بالای زندانیان آلوده به بیماریهای عفونی و جمعیت بالا، سه عاملی است که یکدیگر را تقویت کرده و برنامه های درمانی را با مانع مواجه می کند. با توجه به اینکه در احداث زندان ها و مراکز بازداشت بر روی مسائل امنیتی توجه بیشتری می شود و در خصوص ایجاد زیر ساخت ها و تأسیسات زیربنایی بهداشتی و درمانی توجه کمتری صورت می پذیرد؛ از همین رو، فقدان زیرساخت های لازم و فضاهای بهداشتی و درمانی جهت مداوا و غربالگری زندانیان بیمار در داخل زندانها و مراکز وابسته یکی از موارد مهم هست که در ساخت و تجهیز زندان ها و مراکز وابسته به بیمارستان ها و مراکز درمانی باید مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، ایجاد امکانات بهداشتی و درمانی در زندان ها با توجه به سرانه زندانیان صورت می گیرد که امروزه با توجه به سرانه بالای جمعیت کیفری در زندان ها تقسیم امکانات بهداشتی و درمانی با مشکل مواجه می گردد؛ در حقیقت زندان های کشور توان پاسخگویی به جمعیت بالای کیفری را ندارد. افزایش جمعیت زندانها بدون افزایش زیرساخت های مربوطه، نگرانی های بهداشتی را در بسیاری از کشورها به دلیل ازدحام زندان ها ایجاد کرده است. (۶،۷)

بنابراین به دلیل آثار زیانباری که بزهکاری زنان برای جامعه و سلامت روحی و روانی آنان دارد، اکثر کشور ها به منظور پیشگیری و کاهش نرخ بزهکاری زنان، طرح ها و برنامه هایی ترسیم و از طریق نهادهای مختلف به عرصه اجرا می گذارند. در کشور ما ارگان های مختلفی در راستای پیشگیری از بزهکاری زنان خدمات و فعالیت هایی ارائه می نمایند که از جمله آنها می توان به سازمان بهزیستی اشاره نمود. سازمان مذکور با الهام از مدل پیشگیری سه مرحله ای و با رویکردی اصلاحی - درمانی در پی آن است که در مرحله اول افراد جامعه به ویژه زنان در دام علل و عوامل بزهکاری گرفتار نشوند و در مرحله دوم یعنی بعد از گرفتار شدن در دام علل بزهکاری با ارائه خدمات تخصصی و روانشناسی در صدد رفع علل و عوامل مذکور می باشد و در مرحله سوم یعنی بعد از ارتکاب بزه از سوی زنان، با ارائه خدمات خویش سعی در درمان بازپروری زنان به منظور بازاجتماعی شدن و جلوگیری از استمرار از سوی آنان را دارد. (۱۳)

در نتیجه بازپروری بزهکار از گذر تعیین و اعمال مجازات، مستلزم آن است که مقام صلاحیتدار در مرحله قضایی، یعنی مرحله تحقیقات، محاکمه و در مرحله اجرای حکم و مرحله پس از اعمال کیفر "مرحله پساکیفری" با توجه به خصوصیات فردی و اجتماعی متهم، اوضاع و احوال ارتکاب جرم، رابطه بزهکار و بزه دیده، تحول رفتار و شخصیت او و... بتواند مناسبترین قرار تأمین کیفری و کیفر در قالب تصمیم های خود تعیین، اجرا و در جریان اجرا جرح و تعدیل نماید. تصمیمی که علاوه بر تکیه بر

خوار کردن بزهکار بر وی بار کنیم احتمال تکرار جرم بیشتر خواهد شد، چراکه بزهکار با یک دید انتقام گرایانه و بدبینانه نسبت به نظام کیفری و قضایی به اجتماع بازمی گردد و سعی خواهد کرد مدت زمان سپری شده در حین تحمیل مجازات را با توسل به جرایم مالی یا هر نوع جرم دیگر در مسیر کسب خواسته های خود، جبران کند. همچنین، دید منفی افراد جامعه به وی موجب طرد او از اجتماع خواهد شد و در نتیجه برای دستیابی به خواسته های خود گرایش بیشتری به سمت ارتکاب مجدد جرم پیدا خواهد کرد. باید توجه داشت که کنشگران حقوقی به ویژه قضات دادگاهها در رابطه با صدور حکم خدمات عام المنفعه به عنوان مجازاتهای جایگزین زندان تحت تأثیر رویه های قضایی به مثابه منبع قاعده ساز حقوق قرار دارند.

۶- تأثیر بازپروری بر سلامت زنان بزهکار

زندانبانی نوین باید به دنبال سیاست های اصلاحی و تربیتی، بازپروری، تغییر بینش مجرمانه، ارتقا و توانمندی زندانیان و ایجاد بستر جامعه پذیری و اجتناب از گرایش به سوی اقدامات انتقام جویی و پیشبرد ارتقای امنیت اجتماعی و طراحی و اجرای سیاست های نوین بازپروری باشد. (۲۰) مشکلات ناشی از بزهکاری می تواند منجر به اختلالات روانی از قبیل اضطراب، افسردگی، علائم جسمانی و اختلال در کارکرد اجتماعی چه در زندگی عادی و چه در زندگی شغلی ایجاد کند. (۲۱) حق برخورداری از بهترین حالت سلامت جسمانی و روانی یعنی سطح کاملی از آسایش مادی، روانی و اجتماعی که صرفاً به فقدان بیماری یا معلولیت محدود نباشد، این حق دارای قلمرو وسیعی است که دربردارنده مجموعه ای از عواملی است که می تواند به پیشبرد یک زندگی سالم کمک کند.

افراد بازداشتی به اتهام ارتکاب جرم و محکومانی که به علت ارتکاب جرم در زندان هستند، به مثابه سایر افراد جامعه از دسترسی به حقوق اولیه خود همانند حق بر سلامتی برخوردارند. سلامتی نه صرفاً به معنای فقدان بیماری، بلکه در مفهوم سلامتی کامل جسمی و روانی قلمداد شده است. حق بر سلامت به عنوان یک حق ذاتی به این معناست که هر کس حق دارد تا به بالاترین استاندارد سلامت فیزیکی و روانی دست یابد و این حق تمام خدمات پزشکی، بهداشت عمومی، غذای کافی، مسکن مناسب و... را دربرمی گیرد. از سوی دیگر، اگرچه آزادی افرادی که متهم یا محکوم می شوند سلب می گردد؛ اما همچنان به عنوان یک انسان بدون در نظر گرفتن هرگونه ویژگی از جمله ارتکاب جرم، از حق بر سلامتی به مثابه حقوق بنیادین بشری برخوردارند و نباید این حق نادیده گرفته شود. مطابق مواد ۱۰۲ الی ۱۲۰ آیین نامه سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور وظیفه رسیدگی به امور بهداشتی و درمانی زندانیان، زندانها و مراکز وابسته به آن بر عهده این سازمان قرار داده شده است؛ وظیفه تأمین سلامت در زندان ها نیز بر عهده اداره کل بهداشت و درمان زندان ها است. علاوه بر این، به موجب تبصره قسمت ۱ بند (ج) ماده ۳۸ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز در کنار سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و

شماری از مقررات ایران تشکیل مراکز ویژه ای برای بازپروری بزهکاران پیش بینی شده است. اما زنان بزهکار بعنوان گروهی از مجرمین که دارای ویژگی ها و نیازهای خاص خود هستند، مورد توجه قرار نگرفته اند و تنها دو آیین نامه اجرایی خاص زنان ویژه و در معرض خطر که شامل زنان خیابانی، روسپی و دختران فراری است، وضع گردیده است. اجرای مقررات تخفیف و تبدیل مجازات، تعلیق، آزادی مشروط، صدور قرارهای جایگزین و ... با رویکردی جنسیتی باید توسط قضات صورت گیرد. به نظر می رسد بازداشت خانگی با تأکید قانونگذار بر کار خانگی، و یا انجام کارهای عام المنفعه با وجود فرصت تأمین معاش از نظر ویژگی های اجتماعی و جنسیتی و نقش زنان در اداره امور خانه و خانواده، مناسب تر به حال متهمین زن باشد.

با این حال متأسفانه قضات کمتر از تدابیر اصلاحی استفاده می کنند. تشخیص و طبقه بندی زندانیان، توجه به سوادآموزی و تحصیل زندانیان، آموزش های مذهبی، ترک اعتیاد، حرفه آموزی، حفظ روابط زندانی با خارج از زندان و درمان بیماری های جسمی و روحی زندانیان در آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و سایر آیین نامه های مرتبط نشان دهنده تمایل قانونگذار ایران به ایجاد زمینه های بازپروری بزهکاران است. باید گفت اغلب موارد پیش بینی شده در این آیین نامه می تواند با رویکردی جنسیتی اجرا گردد. سازمان بهزیستی کشور و نیز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را می توان دو ارگان اجرایی در بحث بازپروری دانست. سازمان بهزیستی مسئولیت بازپروری زنان بزهکار را با رویکردی غیر کیفی برعهده دارد اما علی رغم تدوین آیین نامه جامع در این خصوص، به دلیل کمبود امکانات مالی و نیروی انسانی عملاً موفقیت چندی در این زمینه کسب ننموده است. توجه به جنسیت مجرم و دادن اختیار تطبیق مجازات با جنسیت مجرم به قاضی می تواند گامی تاثیر گذار در بازپروری زنان بزهکار باشد. در حال حاضر تنها زنان زندانی و یا زنانی که در مراکز ویژه سازمان بهزیستی نگهداری می شوند، از خدمات بازپروری شامل سوادآموزی، حرفه آموزی و روان درمانی بهره مند می گردند. دیگر زنان بزهکاری که به مجازاتی غیر از حبس محکوم می شوند به نوعی رها می شوند و کمکی برای حل مشکلات خود دریافت نمی دارند. لذا ارائه خدمات بازپروری به تمام زنان بزهکار لازم است مورد توجه قرار گیرد. پراکندگی خدمات بازپروری باعث اتلاف وقت و سرمایه و عدم نتیجه بخشی اقدامات انجام گرفته می گردد. نیاز است با بهره گیری از ظرفیت رسانه ها و همکاری با نهاد های آموزش و پرورش و دانشگاه ها، اذهان مردم را به سمت پذیرش رویکرد درمان و بازپروری بزهکاران زن، سوق دهد؛ چرا که در نهایت این جامعه است که باید مجرمی که در میان آنها به زندگی خود ادامه می دهد را بپذیرد تا روند بازاجتماعی شدن بزهکار تسهیل گردد. رها نمودن زنان بزهکار پس از سپری کردن دوران حبس بدون نظارت کافی بر رفتار آنان، بدون سرپناه و حداقل کمک های اقتصادی و مالی برای امرار معاش، آنان را با مشکلات بسیاری مواجه می کند. این زنان به احتمال بسیار برای حل این مشکلات مجدداً مرتکب جرم می شوند. در خصوص مجازات

قوانین و ملاحظات قضایی، به جنبه های اجتماعی و انسانی جرم و مجرم نیز توجه کرده باشد، بستر و لوازم بازپذیرسازی اجتماعی یا اصلاح اخلاقی، اجتماعی، حرفه ای بزهکار را فراهم خواهد آورد. پیامد بازپروری افراد مجرم در جامعه از یکسو نشان می دهند که از این راه می توان میزان جرم را کاهش داد. ازاینرو، به این مسئله باید توجه کرد که اگر این منابع هزینه شده برای نگهداری زندانیان یا ساخت و اداره زندان، به برنامه های پیشگیری از جرم مانند برقراری ارتباط با خانواده های زندانیان و کودکان و نوجوانان در معرض خطر، اختصاص می یابد، ممکن بود، جلوی ارتکاب بسیاری از جرائم گرفته می شد. یا این که مهارت های زندگی، شخص را قادر می سازند تا دانش، نگرش و ارزش های وجودی خود را به توانایی های واقعی و عینی تبدیل کند و بتواند از این توانایی ها در استفاده صحیح تر نیروهای خود بهره گیرد و زندگی مثبت و شادابی را برای خود فراهم سازد. بنابراین می توان با آموزش مهارت های زندگی به آنان، چه در دوران حبس و چه بعد از خروج، مانع ارتکاب مجدد جرم توسط آنان شویم.

نتیجه گیری

افراد بازداشتی به اتهام ارتکاب جرم و محکومانی که به علت ارتکاب جرم در زندان هستند به مثابه سایر افراد جامعه از دسترسی به حقوق اولیه خود همانند حق بر سلامتی برخوردار هستند و هیچ کسی نمی تواند آنها را از دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی منع کند. از همین رو، استفاده از سازکارهایی در زندان ها در راستای به کارگیری تدابیر بهداشتی و درمانی در محیط زندان و تأمین حق بر سلامت زندانیان، از عوامل مهم و تأثیر گذار قلمداد می گردد. زندانیان پس از آزادی از زندان با معضلات و چالش های عدیده ای از جمله عدم اعتبار اجتماعی، عدم حمایت خانواده، افسردگی، ناکامی در کسب شغل مناسب، بدهی، فقر و عدم سرمایه جهت اسکان و سرپناه مواجه می شوند و همین امر سبب بازگشت آنها به سمت بزهکاری و تکرار جرم می گردد. از این رو، وجود مؤسسه ای که قادر باشد، زندانی آزادشده را مورد حمایت و مراقبت قرار دهد ضروری است. اگر زندانی آزادشده از سوی خانواده، دوستان و به طور کلی، اجتماع و نهادهای اجتماعی مورد پذیرش و حمایت قرار گیرد، بخش مهمی از آسیب های روحی و روانی پساکیفی کاهش می یابد؛ زیرا احساس انزوای اجتماعی، باعث ایجاد حس عدم تعلق شخص به هنجارها و ارزشها و در نهایت، انفکاک از جامعه شده است که همین امر بستر آسیب های اجتماعی و تکرار بزهکاری را فراهم می آورد. اما واقعیت نشان می دهد که چالش های متعددی در این خصوص وجود دارد. تعارض قوانین کیفری با اهداف حقوق کیفری، بی توجهی دادرسان به مراقبت های حین تعویق و تعلیق اجرای مجازات و فراهم نبودن بسترهای لازم جهت مراقبت و حمایت از زندان ها از جمله مهمترین چالش ها در این حوزه است.

هرچند که رویه قضایی ایران نیز به پیروی از آن چندی است که در زمینه پاسخ دهی به مجرمین تحت تأثیر تحولات جرم شناختی جنبه اصلاحی درمانی به خود گرفته است، به گونه ای که در

خروج زندانیان به منظور ادامه روند بازاجتماعی کردن محکومانی که دوران حبس خود را سپری کرده اند تا از این طریق در خارج از زندان نیز روند آموزش را ادامه دهند. بهره گیری از مشارکت های سازمان های مردم نهاد و نهادهای مدنی با همکاری انجمن حمایت از زندانیان در راستای آموزش محکومان تأثیرگذار است و بهره گیری از فناوری های نوین آموزشی و امکانات آموزش از راه دور در راستای آموزش محکومان می تواند مثمرتر واقع گردد.

References

1. Ardabili, Mohammad Ali (2010), *General Criminal Law, first volume, second edition*, Tehran: Mizan Publications.
2. Haji Tabar Firouzjaei, Hassan and Safari, Ali. (1386). *Alternatives to Imprisonment in Iranian Criminal Law*, Tehran, Ferdowsi Publishing House.
3. Rahiminejad, Ismail, (2008), *Criminology, first edition*, Tabriz: Forozesh Publications.
4. Safari, Ali. (1384), *Criminology and Criminological Justification of Criminal Science (a selection of educational articles to improve the knowledge of those involved in the fight against narcotics in Iran)*, first volume, first edition, Tehran, Salisbil Publications.
5. Katouzian, Nasser. (1376). *General Laws*, Tehran, Gostar Publishing House.
6. Lazarge, Christian (1400), *an introduction to criminal politics*, translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, 9th edition, 5th edition, Tehran: Mizan Legal Foundation.
7. Mehrpour, Hossein, (1384), *collection of articles on women and criminal law*, Qom, Salisbil.
8. Mark, Ansel (1370), *Social Defense*, translated by Mohammad Ashuri and Ali Hossein Najafi Abrandabadi, second edition, Tehran: University of Tehran.
9. Mohammad Korepez, Hossein (1400), *obstacles to the application of free public service punishment in Iran's legal system*, first edition, Tehran: Judiciary Press and Publications Center

زنان بزهکاری که سرپرست خانواده خود می باشند، حبس، تخطی از اصل شخصی بودن مجازات ها محسوب می شود؛ مقنن، تدبیر خاصی برای مجازات این قشر از بزهکاران در نظر نگرفته و تنها تمهید به تأخیر انداختن کیفر به جهت بارداری، زایمان و شیردهی را مقرر کرده که نه تنها به علت زمان کوتاه بارداری، زایمان و شیردهی موقتی بوده، بلکه زنان سرپرست خانوار را شامل نمی شود و جایگزین حبس نیز محسوب نمی گردد. زنان در زمره ی کسانی هستند که حبس نسبت به ایشان نه فقط کارآمدی محسوسی نداشته بلکه در مقایسه با مردان، آثار سوء به مراتب شدیدتری بر ایشان بر جای می گذارد. نوع تلقی عمومی از زن زندانی که به عنوان فردی غیرطبیعی که مرتکب جرایم شدید شده است، نه تنها غالباً موجب نادیده انگاری نیازهای آنها می شود بلکه امکان بازپروری و بازگشت به آغوش جامعه را در ایشان دشوارتر می سازد. در فقه اسلامی با توجه به خلاف اصل بودن سلب آزادی به نحوی که در حدود تنها در سه مورد با کیفر حبس روبه رو بوده و در تعزیرات برخی معتقدند چنین مجازاتی جز در معدود موارد منصوص نمی توان تجویز نمود که آن هم اغلب از جنبه احتیاطی و پیشگیرانه و نه به منزله ی کیفر با آن برخورد شده است، لذا می توان بر شنا سایی و تعمیم جایگزین های حبس به طور کلی صحه نهاد. بررسی جهت گیری های تقنینی و قضایی کشورمان نشان می دهد، به صورت جدی به سمت تحدید کیفر حبس در حال حرکت می باشد؛ اما در دو حوزه قضایی و اجرایی با موانع و چالش هایی روبه روست. نظر به آنچه در موانع قضایی حبس زدایی بیان گردید، حجم بالای کار قضات و آمارگرایی ناشی از آن، نگرش و فرهنگ حبس گرای حاکم بر قضات ناشی از فرهنگ حاکم بر جامعه و مسئولان عالی قضایی، و انتخاب نامتناسب نهادهای حبس زدا ناشی از دانش قضایی قضات و فقدان پرونده شخصیت متهمین، مهمترین چالش های قضایی اعمال سیاست حبس زدایی به شمار می رود. همچنین مهمترین چالش های اجرایی اعمال سیاست حبس زدایی، فقدان زیر ساخت مناسب، موانع مربوط به نهادهای مرتبط و فرهنگ حاکم بر جامعه می باشد.

مجازات زندان به منظور دستیابی به اهداف اصلاحی و تربیتی خود نیازمند استفاده از ابزارها و سازکارهای متعددی است که در این میان آموزش محکومان از مهمترین جلوه های آنها به شمار می رود. به همین منظور می بایست در محیط زندان برنامه های آموزشی به منظور بازپروری محکومان تدوین شده و به اجرا درآیند تا از این طریق محکومان از اساسی ترین جلوه های برنامه های بازپرورانه که در پرتو آن محکومان از یکسو به یکی از مصادیق برجسته حق های بشری (حق آموزش) دست یابند؛ و از سوی دیگر به سمت هنجارمندی پیش بروند. حق بر بازپروری به عنوان یکی از حقوق بزهکار مدنظر قرار گرفته است، لذا اهمیت آموزش تا آنجاست که نظام عدالت کیفری برای بازپروری محکومان و بازگرداندن آنان به زندگی تلاش می کند با گسترش آموزش در زندانها و مؤسسات وابسته به آن گامی جهت اصلاح و بازاجتماعی شدن بزهکاران برداشته شود. افزایش همکاری مؤسسات کیفری با مؤسسات آموزشی و مرکز مراقبت پس از

- "Imprisonment and De-Imprisonment in Islamic Jurisprudence and Iranian Law", *Fundamentals of Islamic Legal Jurisprudence*, 30th year, number 2, consecutive.
21. Bigi, Jamal, Timuri, Mehrdad, (1401), "Convicts' benefit from the right to education, a strategy to prevent recidivism", *scientific-specialized legal encyclopedias quarterly*, volume 5, number 16.
 22. Began, Samaneh, Muradkhani, Ahmad, (2015), "Jurisprudential examination of protective and educational measures with an emphasis on the Islamic Penal Code 2015", *Philosophical Jurisprudence Studies*, fifth year, number 17.
 23. Timuri, Mohammad, Beigi, Jamal, Ahadi, Fatemeh, (1400), "Challenges facing the right to the health of prisoners in the Corona pandemic and the mechanisms to deal with it", *Journal of Medical Law*, 15th volume, 56th issue.
 24. Javid, Mohammad Javad and Shahmoradi, Ismat. (2014). "The media's commitment to judicial transparency", *Public Law Research Quarterly*, Volume 17, Number 47.
 25. Jafari, Mohsen. (2019). "Investigation of the importance and obstacles of the implementation of the alternative punishment of imprisonment in Iran", *Afaq Human Sciences Monthly*, Volume 4, Number 38
 10. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein. (1384). *Lectures on Criminal Sociology*, Shahid Beheshti University, Tehran.
 11. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein. (2012). "Introduction to research in the criminal justice system: opportunities and challenges", in the needs of research in the criminal justice system, Tehran, Mizan Publishing.
 12. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein, (1384), *Women in Criminology and Criminal Law*, First International Conference on Women and Criminal Law Past, Present and Future, Qom, Salisbil.
 13. Najafi Abrandabadi, Ali Hossein and Hamid Hashem Beiki (2017), *Encyclopedia of Criminology*, fifth edition, Tehran: Ganj Danesh Publications.
 14. Oneness, God's power. (2014). *Introduction to the science of law*, 14th edition, Tehran, Mizan Publishing House.
 15. Hashemi Shahroudi, Seyyed Mahmoud, (2015), *De-prisoning*, Qom, Islamic Jurisprudence Encyclopaedia Institute, first edition.
 16. Eslami Panah, Ali (2017), "Judicial Procedure as a Source of Law", *Legal Research Quarterly*, Volume 21, Number 8
 17. Asghari, Abdolreza, Nakhei Fawzi, Hojjat, (2017), "Jurisprudential foundations of delaying the issuance of a verdict", *Judiciary Quarterly*, No. 95.
 18. Ebrahimi, Shahram, Heydari, Siros, (2018), "Trial of perpetrators of health violations in Monsanto court", *Environmental Risk Management*, Volume 6, No.
 19. Azari, Hajer, Bahrami, Leila, (2019), "Development of the concept of the right to women's health and its analysis in macro and micro policies", *Women in Development and Politics*, Volume 18, Number 4.
 20. Imani, Maitham, Farhoud, Naghmeh, Taheri Nasab, Yazdullah, (1401),